

## ... فهرست ...

## ... فرهنگی ...

۲. به کاری کن

۳. فراموش شدگان

۴. ماجرای خارجی ها

۴. یک جشن و یک جنایت

۵. شبی که تاریخ در سرور است

## ... تاریخ ...

۶. میراث مکتوب؛ هویت ملی

## ... ادبیات ...

۷. اسطوره بن

## ... فناوری ...

۸. SSD یا HDD؟

۸. جهان در آسانه تحولی بزرگ

## ... معرفت ...

۹. مدرسه ای برای تربیت

## ... دانشگاه ما ...

۱۰. سوسک های صورتی

۱۱. اخبار دانشگاه ما

۱۲. همه خوابگاه ها

در یک سطح اند

سیر آغاز



سیامک شادکام

## نفوذ؛ و مادرانگ ما لنفوذ!

شوروی از هم پاشید. این جمله تیرتی بود که چهارشنبه ۲۷ آذر، ۷۰ روزنامه جمهوری اسلامی

از آن استفاده کرد. آری. خبر کاملا درست بود. پرچم سرخ رنگ اتحادیه جماهیر شوروی اولین روز کریسمس از کاخ کرملین پایین کشیده شد. پادمان نمی رود که در ساختار سیاسی آن دوره کشورها به دو بلوک شرق و غرب به رهبری آمریکا و شوروی تقسیم می شدند. تحلیل گران بر این باورند که یکی از دلایل اصلی فروپاشی شوروی پروژه نفوذ آمریکا بوده است. پروژه ای که رواج سبک زندگی آمریکایی (نه فقط به عنوان یک جغرافیا بلکه به عنوان یک تفکر) تا نفوذ در ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شوروی را شامل می شد. این نفوذ تا آنجا بزرگ و عادی جلوه داده شده بود که حتی در هنگام تدوین قانون اساسی جدید روسیه در سال ۱۹۹۳ نیز کسی به حضور مستشاران آمریکایی اعتراضی نکرد. شاید از این روست که نیکسون در کتاب پیروزی بدون جنگ در نسخه ای که برای دولتمردان آمریکایی تجویزی می کند می گوید برای پیروزی بر شوروی باید به این کشور نزدیک شد چرا که دوری ما باعث تضعیف موقعیت طرفداران ما در داخل شوروی می شود. به همین دلیل بود که ایالات متحده برای پیشبرد اهداف خود استحاله دورنی و همچنین سرمایه گذاری بر روی روشنفکران و هنرمندان و دبلیستگان آمریکا را کلید زد. این استحاله تا آنجا پیش رفت که وقتی اولین شعبه مک دونالد در روسیه آغاز به کار کرد مردم در مقابل آن صف کشیدند. طوری که دیگر نیازی نبود مردم از دیوار برلین رد شوند انگار آمریکا در روسیه متولد شده بود!



## جشنواره سراسری قرآن و عترت دانشجویان در دانشگاه

آسمانی صورت گرفته است. در ادامه آیت الله قره‌ی رئیس حوزه علمیه امام مهدی (عج) در سخنانی اظهار داشت: قرآن کلام ذوالجلال و الاکرام است و چون ذات خدا احد است، پس صفات و اسمائش نیز احد است. خداوند برای آنکه کلام خود را تفهیم نماید، آن را به سینه مبارک پیامبر نازل نمود و نازل اول کلام خدا، سینه پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) است. خداوند جسم انسان را خلق کرد، زیرا می تواند کلام خداوند را ولو به صورت نازل تحمل کند. وی خاطر نشان کرد: قرآن می فرماید که خود خدا قرآن را حفظ می کند، اما در سویی دیگر یک راه برای حفظ قرآن وجود دارد و آن در وجود خود ما انسان هاست و با توجه به اینکه حقیقت قرآن، امام است به فرموده پیامبر کسی که می خواهد قرآن را در درون خود حفظ کند باید مطیع امام باشد. وی گفت: اگر تا قبل از ظهور حضرت حجت (عج) یک دوره تمرین اطاعت از امام نداشته باشیم حضرت ظهور نخواهند کرد و در کنار حفظ قرآن باید آن را عمل نماییم که همانا اطاعت و عمل به امر امامت است. مراسم اختتامیه این جشنواره روز بیست و یکم اردیبهشت ماه با معرفی و تقدیر از نفرات برتر برگزار شد.



## کمرنگی فرهنگ مطالعه و کم توجهی به جریان شادی و نشاط، دو آسیب فرهنگی فراگیر در دانشگاهها

ایشان گفتند: ورود هنرمندان و کارهای فاخر هنری از قبیل ساخت فیلمها و انیمیشنهای مناسب به این امر کمک می کند و نیز برنامه ریزیهای کارشناسانه در صدا و سیما، رسانهها، سازمانهای دولتی، مدارس آموزش و پرورش، تدوین قوانین مناسب، تسهیلات، تشویقها و ترغیبهها، و حتی اعمال محدودیتهای لازم، می تواند در این مسیر راهگشا باشد. مسئول نهاد رهبری دانشگاه تربیت مدرس اینگونه اذعان داشتند که دانشگاه خوشبختانه مراسم شادی را نیز در برخی از ایام سال داشته است اما نکته این است شادی و نشاط می بایست در طی ایام متوالی ادامه یابد و جریان نشاط شایسته در سطح دانشگاه از سوی دانشگاهیان دیده شود. اینگونه نباشد که تنها به یک روز یا یک شب اکتفا گردد. بلکه این جریان در ایام دیگری نیز چون عید غدیر، تولد پیامبر (صلوات الله علیه و آله)، دهه فجر و هفته دفاع مقدس که مقارن با آغاز سال تحصیلی است می تواند تکرار شود که متأسفانه هیچ یک از این مناسبتها در سطح دانشگاهها آنگونه که بایسته است جدی گرفته نمی شود. ما یا شادی نمی کنیم یا شادی کردن به معنای درست آن را نمی دانیم.



دکتر علی فلاح رفیع مسئول نهاد رهبری دانشگاه تربیت مدرس در جلسه شورای دانشگاه با اشاره به ایام منتهی به بیست و نهمین نمایشگاه بین المللی کتاب خاطر نشان کردند: می بایست از یک آسیب بزرگ فرهنگی در جامعه خود نام ببریم و آن کمبود و ضعف مطالعه و کتاب خوانی حتی بین قشر دانشگاهی است تا جایی که متأسفانه ناچاریم چه بسا از نبود مطالعه سخن به میان آوریم. در ادامه این استاد فلسفه دانشگاه بیان داشتند: اگر فکری برای این معضل فرهنگی - اجتماعی نشود، همچنان در ابعاد دیگر اعم از اخلاقی، اقتصادی، صنعتی، سیاسی و... پسرفت خواهیم داشت. مهمترین عامل آن کم حوصلگی حاصل از دنیای مدرنیسم است. وجود رسانه های تصویری و صوتی، سرگرمی های متعدد، زندگی شهری پیچیده و گیج کننده، تعداد امور و مشغله ها، سبک زندگی نامناسب و... از عوامل دیگر می باشند.

## آیین سپاسگزاری از مقام استاد برگزار شد

صفحه ۳



نیمه شعبان، سالروز ولادت منجی عالم بشریت "امام مهدی (عج)" را به عموم دانشگاهیان تبریک و تهنیت عرض می کنیم.

## ماجرای «خارجی ها»

صفحه ۴

## تلخ خند

صفحه ۱۰





## من و این جوانی...! یه کاری کن!



پاداداشیت

منیره سادات میراحمدی  
دانشجوی کارشناسی ارشد  
مطالعات زنان  
دانشگاه تربیت مدرس



جوانی دوره‌ی قشنگی ست و خوب جوانی کردن، سخت. راستش الان که به نوجوانا نگاه می‌کنم، حسرت می‌خورم. دوست دارم بهشون بگم که اشتباهات من رو تکرار نکنن، دوست دارم دستشون رو بگیرم و وادارشون کنم به درس خوندن، به کار کردن و یکم تلاش بیشتر؛ احساس

قدم می‌زنم، بدون چتر و بدون ترس، و سختی زندگی‌ام را به دست همین باران می‌سپارم و می‌گویم: یادم تو را فراموش...  
و حالا نمی‌دانم چرا این بیت آمده و سراغی از من می‌گیرد و دائماً در ذهنم مرور می‌شود که:  
در جوانی پاک بودن شیوه‌ی پیغمبری ست ورنه هر گبری به پیری می‌شود پرهیزگار شاید می‌خواد این رو به من یادآوری کنه که: «جوونی کن، اما خوب...»  
خدایا جوونی من و همه‌ی جوونا رو دریاب.

بکشی بیرون و به حداکثر خواسته‌هاات برسی، که هیچ، وگرنه بعدش فقط حسرت می‌مونه و دست روی دست گذاشتن و آه کشیدن.  
نه... من هنوز جوونم. جوونم و شاد... پر از انرژی... پر از شور و خواسته... «من می‌تونم...». آگه تا الانم خوب ازش استفاده نکردم، هنوز فرصت باقیست. باید خودم گره از گره مشکلاتم بردارم، مثل بافنده‌ی گره‌های این قالی. من جوونم و خدایی دارم که همیشه یار و یاورم بوده؛ تنها دوست تنهایی من. راستی اولین رفیق تنهایی من کتاب نبود، خدا بود. کتاب من را آروم می‌کنه، اما نه به اندازه‌ی خدا.  
و من... در این عصر بهاری... زیر باران

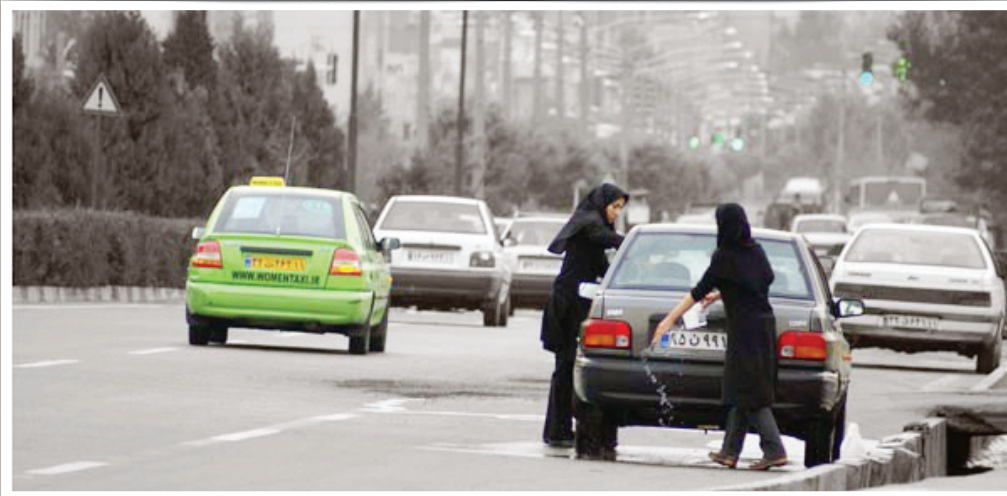
شده. جمله‌ای دلنشین اما کمی نگران کننده به ذهنم می‌رسه: «اگر از تاریخ عبرت نگیرید، عبرت تاریخ می‌شوید». حالا که دقت می‌کنم بنظرم جمله‌ش یکم برام گرون تموم میشه: من بشم عبرت تاریخ! نه... من دوست ندارم تا عبرت تاریخ بشم، دوست ندارم عبرت جوونا بشم. دوست دارم بهترین جوونی از آن من باشه، از آن خود خودم. اما از جوانی... آره، دغدغه‌هاش کم نیست؛ شیرینیاشم همینطور. ولی من هنوز خیلی فرصت دارم، و خیلی کار، و خیلی خواسته و خیلی آرزوهای کوچک و بزرگ. من هنوز جوانم. یکی حرف قشنگی می‌زد، می‌گفت اگر توی دوره‌ی جوونیت تونستی گلیمتو از آب

می‌کنم خیلی تنبل شده این نسل. ولی همزمان این رو هم احساس می‌کنم که بزرگترا به من، همین نگاه رو دارن. وقتی از مصائب زندگی و سختی درس خوندنشون میگن، قطعاً می‌خوان به من همینو بفهمونن که تو هم خیلی کار شاقی نمی‌کنی. همونطور که من دوست دارم به نوجوانا بگم که نوجوانی من برای شماها تجربه باشه، بزرگترا هم دارن با زبان بی‌زبانی همین رو به من جوون میگن. اما من دارم سرسری از حرفشون رد می‌شم و بی‌توجهی می‌کنم. بی‌توجهم به گذر عمر. بی‌توجه به اینکه تا چند سال آینده، دیگه کسی من رو «جوان» خطاب نمی‌کنه و من میشم آینه‌ی همین نوجوانی جوان

## زن‌ها بد رانندگی می‌کنند!؟

پاداداشیت

سهیلا استیری  
دانشجوی کارشناسی ارشد  
مطالعات زنان



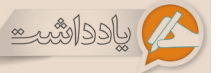
بیست و سوم اردیبهشت ماه مصادف است با روز تهیه و تنظیم اولین آیین‌نامه‌ی راهنمایی و رانندگی در سال ۱۳۳۰؛ در اینجا تقریباً همه چیز از اجرا تا مجازات برای زن و مرد یکسان است. با وجود این یکسانی در قانون و اینکه امروزه زنان را مانند مردان پشت فرمان ماشین در خیابان‌ها می‌بینیم، اما هنوز عده‌ای معتقدند زنان مهارت انجام رانندگی را ندارند و هر چقدر هم تجربه‌شان بیشتر شود، باز هم برای این کار ساخته نشده‌اند. یک گزاره‌ی «زن‌ها بد رانندگی می‌کنند» که به واسطه تکرار در شنیده شدنش، برای خیلی‌ها تبدیل به باور شده و هر چقدر هم مثال نقضش پیدا شود، باز در این باور تغییری ایجاد نمی‌کند. این باور را می‌توان در بستر جامعه وقتی یک خانم پشت فرمان است به طور ملموس احساس کرد. با این که در سال‌های اخیر تعداد رانندگان زن در همه جای کشور رو به افزایش است، و البته کیفیت رانندگی آنها هر روز بهتر و بهتر می‌شود و گاهی با رانندگان زنی مواجه می‌شویم که گواهینامه‌ی پایه یک دارند و در واحدهای اتوبوسرانی

که انتشارات همین دانشگاه منتشر کرده است بیان می‌دارد که تفاوت‌های زیستی و روانی زن و مرد باعث می‌شود که این دو جنس در مهارت‌های مختلف، عملکرد مختلف داشته باشند. یکی از این مهارت‌ها همین رانندگی است. به نوشته او طبق تحقیقات انجام شده، میزان ریسک‌پذیری خانم‌ها در رانندگی کمتر از آقایان است.  
۳. تخلف کمتر زنان در رانندگی که نشأت گرفته از قانون مداری و مسئولیت‌پذیری آنان و ریسک‌پذیری کمتر نسبت به آقایان است را بعضاً عدم مهارت در رانندگی تلقی می‌کنند. شاید با افرادی مواجه شده باشیم که میزان بدهی تخلفات خود را مایه‌ی مباحثات و تفاخر می‌دانند.  
۴. مسئله‌ی دیگر این که این گزاره‌ی عمومیت یافته اینقدر به تکرار و داشته شده است که گاهی خود زنان دچار شک در رانندگی خوب بودن می‌شوند و رانندگان پرمهارت زن را مردانه می‌دانند.  
۵. رفتارهای بی‌ملاحظه‌ی برخی رانندگان مرد نیز رانندگان زن را به ملاحظه‌ی بیشتر در هنگام رانندگی وامی‌دارد.  
برای تحلیل تفاوت‌های رانندگی دو جنس و جلوگیری از برچسب زدن راننده‌ی بد به زنان به صرف زن بودن باید نگاهی همه سویه به این مسئله داشت و در بستری همه جانبه به این موضوع نگاه کرد. نگاه یک سو نگر در این امر جز به تحقیر زنان راه به سویی دیگر ندارد.

می‌شوند. در تعریف عمومیت یافته «رانندگی خوب» به معنی داشتن مهارت فردی است. به تعبیر ساده‌تر، مهارت رانندگی فقط قدرت عکس العمل فردی و «تر و فرزند بودن» در کلاچ گرفتن و ترمز کردن و گاز دادن و لایپ کشیدن است. در حالی که رانندگی خوب، به معنی رعایت قوانین و نظم در رفتار رانندگی در جاده‌ها و خیابان‌هایی است که بسیاری دیگر در حال رانندگی هستند.  
۲. وجود تفاوت‌های روانی و جسمی زنان را هم باید در اینجا مورد توجه قرار داد. سرهنگ دکتر علیرضا اسماعیلی، استادیار دانشگاه علوم انتظامی در کتاب تفاوت زن و مرد در رانندگی

به تحلیلی دیگر دارد. دلایل زیادی را می‌توان برای این گزاره‌ی منفی راجع به رانندگی زنان تحلیل و تبیین کرد که در این نوشتار نمی‌گنجد و فقط به برخی از آنها اشاره می‌شود.  
۱. عدم وجود تعریفی عمومیت یافته از رانندگی و راننده‌ی خوب، در حقیقت تعریفی از رانندگی خوب وجود دارد اما این تعریف عمومیت یافته نیست. طبق این تعریف آگاهی و رعایت قوانین، بخشی از مهارت اجتماعی رانندگی است؛ رانندگی یک رفتار فردی نیست بلکه رفتاری اجتماعی و معطوف به دیگران است. اما در مقابل این تعریف، تعریفی است که با آن زنان زیر سوال می‌روند یا به واسطه‌ی آن تمسخر

مشغول به کار هستند اما باز هم رانندگی خانم‌ها مورد تمسخر واقع می‌شود و گزاره‌ی معروفی که در بالا اشاره شد، عمومیت داده می‌شود.  
اگر بخواهیم به پیشینه‌ی حضور زنان در رانندگی بازگردیم برمی‌خوریم به شوکت الملوک جهانبانی، اولین زنی که در ایران گواهینامه رانندگی گرفت. وی گواهینامه خود را سال ۱۳۱۹ هجری شمسی دریافت کرد. جهانبانی یکی از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود و در امور سیاسی نیز فعالیت داشت. این مسئله نشانگر پذیرفته شدن رانندگی زنان از هفت دهه‌ی پیش است. اما وجود گزاره‌ی منفی مطرح شده با توجه به این پیشینه نیاز



فروزان نیک نداف

دانشجوی کارشناسی ارشد بیوشیمی  
دانشگاه تربیت مدرس

شاید به نظرتون برسه که این کارها، کار بیهوده‌ایه، وقت تلف کردنه. شاید بگید این همه آدم، این همه جوون تحصیلکرده در مقطع ارشد و دکتری را ده، دوازده روز آزمون معطل ساختن یک خانه برای یک پیرزن تحت حمایت کمیته امداد کردین؟! و یا صرف ترمیم خوابگاه دانش‌آموزان یک روستا؟ آخه این چه کاریه؟! ببخشید یک لحظه گوشتون رو میشه بیارید جلو... بین خودمون بمونه... خب این چند میلیون هزینه‌ای که خرج کردین رو مستقیماً به خود روستایی‌ها می‌دادین که بهتر بود. اینجوری دانشجویها، هم به کارشون می‌رسیدن و هم به درس و تحقیقشون...

شاید شما هم شنیده باشین که میگن: آقا من اصلاً قبول ندارم. به نظر من این کارایی که شما می‌کنین خیلی چیپیه! (البته نه از نوع تراشه‌های الکترونیکی، بلکه از این cheap نوعش). شما دارین شأن (همان پرستیژ!) دانشجوی را پایین. آخه ناسلامتی بچه محل‌ها و اهالی فامیل از الان به ما میگن "دکتر" ها! قرن بیست و یکم شده آقا، اگر واقعاً! هم دنبال این هستین که درد مردم رو دو کنید، باید از تخصص دانشجویها استفاده کنید. ما اینجا دانشجوی مهندسی هوافضا داریم، یا دانشجوی فناوری نانو (نانوتکنولوژی) و حتی دانشجوی ویروس شناسی پزشکی! اینجا شکسته دلی می‌خرند و بس بازار خودفروشی زان سوی دیگر است همین چند روز پیش‌ها بود که داشتیم خاطرات یکی از جهادگران در نوروز همین سال ۹۵ را می‌خواندم که در تعطیلات عید به جای رفتن به شمال و کیش و ترکیه و... خانواده‌اش را رها

کرده بود تا عید را در کنار مردمی بی‌ریا و دوست داشتنی، در مناطق کم‌برخوردار کشورش نفس بزند ولی از عمق بصیرت این مردمان نازنین شگفت زده شده بود. زمانیکه داشت برای پسرکان روستایی از مفاهیم دینی صحبت می‌کرد، پسر بچه‌ای بلند می‌شود و می‌گوید: "ما الان حاضریم مدافع حرم بشیم‌ها!" بله درست است که نیازهای مالی و امکاناتی دارند ولی دلشان دریاست. آنها نیازی به حضور ما ندارند بلکه ما هستیم که به بودن در کنارشان و دعای خیرشان نیازمندیم. این ما هستیم که اصرار می‌کنیم برویم و یک قدمی، هر چند کوچک، برایشان برداریم، حتی به قیمت آوردن تبسمی بروی لب‌هایشان. اینها "ولی نعمت" هایمان هستند. شما بهتر از من می‌دانید که این حرف یعنی چه، خداوند به واسطه آنها، نعمتش را بر ما ارزانی می‌دارد. این حرف، حرف بزرگی است. حق دارید که آن را از من قبول نکنید. این حرف اندازه دهان من نیست! پیر میخانه‌ی

آنهاهی که می‌گویند "شأن دانشجویی دکتری نیست" و یا "بجای اینکه دانشجوی را ببرید کارگری (!) کند، باید از تخصص‌اش استفاده کنید" را به شهید چمران رجوع می‌دهیم. بروند از شهید دکتر مصطفی چمران بپرسند چرا دکتری فیزیک پلاسما، از بهترین دانشگاه‌های دنیا را گرفت و رفتی در لبنان یتیم خانه زدی؟! چرا دیگر به ایران بازگشتی و خودت را درگیر جنگ کردی که اینگونه شهید بشوی؟! من مطمئن هستم اگر گوش جان را تیز کنیم، می‌شنویم که می‌گوید "وظیفه" آری وظیفه داریم برای آبادانی و اعتلای کشور عزیزمان و سربلندی اسلام و در یک کلام ترویج "سبک زندگی ایرانی اسلامی" تلاش کنیم و رهبر عزیزتر از جانمان را یاری کرده و مقدمات ظهور حضرت ولیعصر ارواحنا فداه رو فراهم آوریم. "کار باید برای رضای خدا باشد"

## فراموش شدگان



## آیین سپاسگزاری از مقام استاد برگزار شد



سپیده روشن  
دانشجوی کارشناسی ارشد پتروالوژی  
دانشگاه تربیت مدرس

مراسم گرامیداشت روز استاد و تجلیل از اساتید نمونه دانشگاه تربیت مدرس با حضور رئیس دانشگاه، معاونان، مدیران و اعضای هیات علمی در دانشگاه برگزار شد. رئیس دانشگاه در ابتدای مراسم ضمن گرامیداشت هفته معلم و خیر مقدم به حضاران و خانواده گرامی دکتر آینه‌وند اظهار داشت: تفاوتی میان استاد و معلم از نظر نوع مخاطبان آنها وجود دارد و آن این است که معلم با افراد کوچکتر و شیفته‌ی یادگیری در مراحل اولیه سروکار دارد و معمولاً این شیوه معلمی یک طرفه است. دکتر احمدی ادامه داد: در دانشگاه با نسل جوان، پویا و هدفمند روبرو هستیم که با اهداف دقیق‌تری دنبال علم هستند

کرده‌ایم و بیشتر با تجربه روش‌هایمان را پیش برده‌ایم و این موضوع هنوز به یک فرهنگ تبدیل نشده است و ما در مبادله و مکتوب کردن روشهای تدریسی بسیار ضعیف هستیم. و نکته‌ی سوم: رصد تحولات جهانی؛ یک روز دانشگاه را با مسئولیت‌های دانشی آن می‌شناختند ولی امروز مسئولیت‌های فرهنگی و اجتماعی هم قایل می‌شوند. امروز تحولاتی در حال اتفاق است باید باعث بازبینی و بازسازی من نوعی بعنوان هیات علمی شود. توفیقی در پایان افزود: هیات علمی ترکیبی از دانش روز بعلاوه بالاترین تعهد اجتماعی و بالاترین ارزش فرهنگی و اخلاقی است. در ادامه با حضور مسئولان دانشگاه و همسر دکتر آینه‌وند از اساتید منتخب دانشگاه تقدیر به عمل آمد و پس از آن مسئولان و اعضای هیات علمی ضمن حضور بر سر مزار شهدای گمنام دانشگاه به آنان ادای احترام کردند.

دانشمند را بداند و هم تکریم شونده خودش را به تراز تکریم برساند. دانشگاه امروز یک سازمان در حال تحول است. همه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، علم و فن آوری و شرکت‌های دانش بنیان که مقام معظم رهبری فرمودند تکیه‌گاهشان دانشگاه است. این استاد دانشگاه با بیان اینکه دانشگاه برای مواجهه با تحولات پیچیده باید آمادگی داشته باشد به

رابطه استاد و دانشجو نیز رابطه‌ای دو طرفه است. دانشجو به ویژه در دوره‌ی تحصیلات تکمیلی به مرحله‌ای از بلوغ رسیده که شیفتگی و علاقه‌ی آگاهانه‌ای برای یادگیری دارد و این موضوع، مسئولیت استاد را سنگین‌تر می‌کند، زیرا با مخاطبان ویژه‌ای روبرو است. در ادامه‌ی این مراسم دکتر جعفر توفیقی افزود: روز معلم روز تکریم علم و عالم است. هم تکریم کننده باید ارزش

سه نکته اشاره کرد: نکته اول: اینکه علم به ما هیات علمی‌ها می‌گویند که دانش‌تان باید به روز باشد و حرف اول را بنزید باید در علمی که داری بهترین باشی. نکته دوم: علم معلمی به ما گوشزد می‌کند که علاوه بر اینکه باید در علم خود متخصص باشی باید علم معلمی را هم خوب بدانی. علمی که کمتر به آن از نظر تخصصی نگاه





احمد بابایی

فعال فرهنگی

## ماجرای «خارجی‌ها»



سو و هفتاد و دو عاشق در سویی دیگر! «بی‌بی‌سی» آن زمان، زهیر و وهب نصرانی و جون و... چند یار دیگر سیدالشهدا علیه السلام را «خارجی» می‌خواند و مقاومت اسلامی را شورشگری و انارشسیسم می‌داند!

\* هفتم

خبیث‌تر از انگلیس، انگلیس است و هیچ عاقل منصفی شکی در خیانت این طاغوت مدرن ندارد. دلبستگی سیاستمداران کشورهای اسلامی به انگلیس، نوعی فحشای دیپلماتیک است. فاحشه‌های سیاسی این ممالک، از عمل‌های مفت‌خور وهابی‌ها هم بدترند. یک نکته از این معنی گفتیم و (به خون شهدا قسم) همین باشد!

\* هشتم

کسانی که در قبال مظلومیت شهدای مدافع حرم، چه ایرانی، چه افغانستانی، چه پاکستانی، چه سوری و چه عراقی، سکوت می‌کنند، فرقی با ظلمه عیاش‌خانه‌های سعودی و مردارهای زشت تبه صهیون ندارند! ظاهراً مظلومیت شهدای قرن ۲۱ جز به ظهور منجی پایان نخواهد یافت...

\* نهم

کاش هنرمندان و شاعران و علما و مداحان و... بعد از این، به جای انفعال، حتی به جای دفاع، همه در پی حمله به تمام مقدسات شیطانی انگلیس باشند.

\* دهم

یک بیت از یک غزل، خطاب به حضرت سیدالشهدا روحی فدا: اهل افغان شدم، آقا! چو به میدان دیدم رخ نهادی به رخ خونی افغانی‌ها.

نمی‌تواند آن قدرها به حقیقت نزدیک باشد و این تعجبی هم ندارد!

\* پنجم

جالب است که افغانستانی‌ها و تیپ غیرتمند فاطمیون را «لشکر خارجی ایران» نام می‌گذارند! از کی تا حالا مرزهای انگلیسی‌ساز، دو طایفه ایران و افغانستان را دو ملت جدا از هم کرده است؟! از کی بی‌بی‌سی خود را نزدیک‌تر و دلسوزتر از ایرانی‌ها به افغانستانی‌ها می‌داند؟! مهمان‌نوازی چهل‌ساله ایرانی‌ها از خانواده‌های افغان و درآشنایی این دو طایفه، خار در چشم‌تنگ انگلیسی‌هاست. آنها نمی‌فهمند که این دو قوم، یک دل شکسته، بیشتر نیستند...

خدا مکرشان را به خودشان برگرداند!

خدا مکرشان را به خودشان برگرداند!

\* ششم

یاد شهدای عاشورا افتادم؛ عاشورای ۶۱ هجری... دهها هزار جاهل وحشی در یک

به تئوری‌سازی ساحرانه و تحریک قومیتی می‌پردازد. بی‌بی‌سی، مدافعان حرم و جبهه مقاومت را «مدافعان اسد» می‌خواند تا ناخواسته ضعف خود را در فهم معارف اسلام بیان کند؛ درست مثل فاحشه‌هایی که با قیاس وضعیت خود، تولد مسیح را جز با گناه مادر پاکش نمی‌توانند تحلیل کنند.

دفاع از حرم، مقدماتی دارد که یکی از آن مقدمات به هلاکت رساندن تکفیری‌ها تا آخرین نفر آنهاست. یکی دیگر از آن مقدمات، ضرب‌شست نشان دادن غیورانه به جبهه استکباری است. پاک کردن سوریه و عراق (و ان شاء الله همه ممالک اسلامی) از لوٹ عوامل انگلیسی/آمریکایی در مسیر دفاع از حرم است... بنابراین بی‌دلیل نیست که بی‌بی‌سی ابلهانه در پی آلوده کردن فضای عاطفی و فکری مردم ایران و افغانستان است. تحلیل ساحران بی‌بی‌سی از معجزه شیران مقاومت،

\* سوم

معلوم است که تیپ فاطمیون بدجور تکفیری‌ها و انگلیسی‌ها را عذاب داده است! این به‌اصطلاح مستند، که جهت دار و فریبکارانه است، به نوعی انتقام‌گیری آنها از شیرمردان غربی است که جان بر کف گرفته‌اند و جان سلفی‌ها را به لب رسانده‌اند. خوشا به حال اهل افغانستان و خوشا به حال اهل ایران، که در این لشکرکشی پهلوانانه، مشت انگلیس را باز کرده‌اند.

\* چهارم

عدم توانایی «بی‌بی‌سی» و جریان نفاق در تحلیل موضوع دفاع از حرم، چیز عجیبی نیست. بی‌بی‌سی از حمله وحشیانه جبهه متحد «عربستان و ترکیه و قطر و اردن و امارات و آمریکا و اسرائیل و انگلیس و...» به یک کشور مستقل حرف نمی‌زند، اما از دفاع مظلومانه و جانانه جبهه مقاومت، ناراحت و سرخورده شده و کینه‌ورزانه

اهل افغانم...! مستند جهت دار و غیرمستند «بی‌بی‌سی فارسی» درباره تیپ شریف فاطمیون را دیدم و حیقم آمد چند نکته را بنویسم:

\* اول  
می‌دانیم مجاهدین افغانستانی، آبروی مضاعفی به این مردم غریب و مظلوم داده‌اند. پس از این مجاهده جانانه احترام ایرانی‌ها به اهل افغانستان، چند برابر شده که قطعاً بیشتر شدن علاقه و همدلی دو ملت افغانستان و ایران به یکدیگر برای انگلیسی‌ها و وهابی‌ها هیچ خوشایند نیست. مستند پخش شده از «بی‌بی‌سی فارسی» نشانه کینه شدید «مرزسازان بین‌المللی» به همراهی عاطفی دو ملت افغانستان و ایران است.

\* دوم  
بله، «بی‌بی‌سی» بهترین راه مقابله با جبهه متحد مقاومت را پیدا کرده: «تمسخر ملت‌ها در پرده دلسوزی!» در این به‌اصطلاح مستند، هم مجاهدین افغانستانی و هم ایرانی‌ها مسخره می‌شوند! بد نیست بدانیم که سنگین‌ترین و خطرناک‌ترین حربه دشمنی منافقانه، به مضحکه گرفتن و تمسخر جبهه مقاومت اسلامی است. در لباس دلسوزی و از رهگذر طرح مسائلی که به هیچ وجه قابل اثبات نیست... آن هم با کنایه به فقر اقتصادی و فقر فرهنگی دو ملت.

## یک جشن در دانشگاه و یک جنایت در بیرون آن



فضه السادات حسینی

دانشجوی دکتری حقوق زن در اسلام دانشگاه تربیت مدرس



می‌شود، مثل بی بی سی خبیث که قضیه ستایش را به تیپ فاطمیون مدافع حرم نسبت می‌دهد و یک مستند کاملاً جهت‌دار و مغرضانه را درست در همین روزها پخش می‌کند تا هم افکار عمومی را تحت تاثیر قرار دهد و هم از جهل و حماقت عده‌ای سوء استفاده نماید.

یابرخ‌ی مهاجرین افغانستانی که زبان به شکایت‌شان باز شده و خدمات جمهوری اسلامی را نادیده گرفته‌اند و از سوی دیگر برخی هموطنان ایرانی که بجای همدردی، مدام بر زخم‌ها نمک می‌پاشند و داغ را تازه می‌کنند و بجای شرمساری، جنایاتی که فلان افغانستانی در حق فلان ایرانی مرتکب شده را یادآور می‌شوند.

همیشه افراط و تفریط آسیب زنده و ناپسند است، امت اسلامی باید امت وسط باشد! در بعد انسانی این حادثه، ابراز همدردی و تأسف طبیعی است؛ در بعد قانونی، دولت و قانون پیگیر جنایت و مجازات جانی هستند؛ در بعد اجتماعی، علل و عوامل وقوع حادثه پیگیری خواهد شد تا زمینه بروز و تکرار چنین فجایعی را بگیرد؛ اما مباحث سیاسی و نژادپرستی و تحقیر و تبعیض و... هیچ جایگاهی ندارد! هیچ جایگاهی!

داده، خود یک بحث عمیق می‌طلبید. اما این طفل معصوم چه گناهی داشت؟!!

کاری به مباحث سیاسی یا جنایاتی که برخی افغانستانی‌ها در کشورمان مرتکب شده‌اند ندارم! روح من بعنوان یک انسان از این فاجعه بدرد آمده است. کاش آنقدر درک و بینش داشتیم که بجای بحث‌های صحیح و آسیب شناسی درست این مساله، جدل بیخود نمی‌کردیم.

گر چه حالا این سوژه بهانه‌ای برای عقده گشایی برخی دشمنان و اختلاف افکنی

خبر و درد ... اما ماجرا چه بود؟

دختر بچه شش ساله‌ای به نام ستایش قریشی قربانی هوس بازی و حماقت پسر همسایه ۱۷ ساله‌شان شده بود. بعد هم جنایت پشت جنایت، شقاوت پشت شقاوت، اسیدپاشی و آتش زدن و ... نمی‌دانم جنون بر آن پسر عارض شده بود یا ... دردمند چه بود، نمی‌دانم! که این مساله یک کار جرم شناسی عمیق می‌طلبید، اینکه شرایط فردی و اجتماعی چه بوده که او را به سمت این اتفاق سوق

انگلیس خبیث این پاره از خاک‌مان را با مرزبندی خودسرانه جدا کرد و حاکمان بی‌کفایت‌مان هم در برابر هیچ پذیرفتند! همیشه از مرزبندی‌های سیاسی و نژادپرستی و تحقیر و تبعیض بیزار بوده‌ام ... آن روز هم وقتی پر از انرژی و البته دغدغه از جلسه بیرون آمدم، اصلاً فکر نمی‌کردم این حال خوب، دقایقی بیشتر دوام نداشته باشد. البته در جلسه هم پای درد دلها و حرفهای دوستان و مهاجرین افغانستانی در مورد مشکلات اشتغال و تحصیل و ... نشستیم بودم. اما جنس این

درست در روزی که جمعیت دانشجویهای افغانستانی مقیم ایران در دانشگاه تربیت مدرس مشغول برگزاری مراسم «نوروز در افغانستان» بودند، در گوشه‌ای اطراف شهر تهران، خانواده‌ای افغانستانی داغدار مرگ جگر گوشه‌اش شده بود. جنایتی که روح هر انسانی را به درد می‌آورد.

روز شنبه ۲۸ فروردین ماه با مدیر گروه‌مان برای رساله‌ام جلسه داشتیم، بعد از آن به سمت درب خروجی دانشگاه می‌رفتم که جمعیت و تزیینات کنار سالن جابر بن حیان توجهم را جلب کرد و از آنجا که هنوز فرصت داشتیم، سری به مراسم زدیم، «نوروز در افغانستان»

وارد سالن شدم ... چهره‌های افغانستانی، لباس‌های محلی و گویش‌های جالب. گوشه‌ای نشستیم. کلی اطلاعات جدید کسب کردم، با شهر خلاق و زیبای بامیان آشنا شدم، طبیعت زیبا و چهار فصلش را دیدم، از فرهنگ غنی افغانستان بیشتر شنیدم، چقدر دلم سوخت که





محمد رافعی

دانشجوی دکتری تاریخ

این روزها هوای نیمه شعبان فضای دانشگاه را دگرگون کرده است. این روزها شادی را در دل و رفتار مردم به خوبی می‌توان دید. روز نیمه شعبان از شادترین روزها و شب آن از زیباترین شب‌ها در سال است. بنابراین شایسته است در ستون تاریخ به این اندیشید که جشن و چراغانی از چه زمانی مرسوم شد؟ آیا نیمه شعبان در طول تاریخ به مانند امروز شاد و پر شور بوده است؟

نیمه شعبان زادروز امام عصر (عج) است. ایشان در ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شدند و این تاریخ توسط منابع اسلامی از جمله اصول کافی و الارشاد تأیید شده است.

روزی که جهان و جهانیان انتظارش را می‌کشیدند. در اندیشه ادیان ابراهیمی انتظار منجی واقعیتی پذیرفته شده بود و بر همین اساس پیشتر نشان‌های آمدن منجی را داده بودند. موضوع قابل توجه دیگر آنکه به روایتی تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه در نیمه شعبان رخ داده است. البته روایتی هم این واقعه را در ماه رجب می‌داند، اما افرادی چون طبری نیمه شعبان را روایت نموده‌اند. طبری در این باره می‌نویسد: «از ابن اسحاق نیز روایت کرده‌اند که قبله در نیمه ماه شعبان، هیجده ماه پس از هجرت، تغییر یافت». واقعی نیز معتقد است که تغییر قبله به روز سه شنبه نیمه شعبان انجام شد.

بر این اساس نیمه شعبان تاریخ مناسبی بود برای اقدام به امور. یعنی در روزگاری که به خوش یومنی و بد یومنی روزها معتقد بودند، نیمه شعبان از بهترین گزینه‌ها برای ورود به شهر یا کاری و نیز مسافرت به حساب می‌آمد.

برخی این تاریخ را برای خلعت دادن و گرفتن انتخاب می‌کردند. بسیاری از مدارس و مراکز علمی و اداری در این روز افتتاح می‌شدند. درباره‌ی جشن گرفتن این روز نویسندگان تاریخ الفی ذیل ذکر وقایع سال سیصد و نود و ششم از رحلت خیر البشر می‌آورد که: «فخر الملک وزیر بهاء الدوله و سلطان الدوله دیلمی اول کسی بود که در شب نیمه شعبان حلاوی پخش می‌کرد»<sup>۱</sup>

البته این رسم فراز و نشیب‌های بسیاری دیده و در دوره‌ی قاجار بار دیگر و به صورت رسمی گرامی داشته شده است. در این مورد ناصرالدین شاه «فرمان داد که چون در این روز ولادت باسعادت حضرت قائم علیه الصلوات و السلام روی داده، از حال الی بعدها در تمامی ممالک محروسه، این روز مبارک را چون سایر اعیاد شریفه و ایام متبرکه شمارند، و به مراسم جشن سرور و شادی اقدام نمایند»<sup>۲</sup>

در دوره‌هایی شب و روز نیمه شعبان با برگزاری مراسم جشن و سرور گرامی داشته می‌شده است. البته شیعیان در نقاط مختلف برنامه‌های متنوعی داشتند. چنانچه در عراق توده مردم برای زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) بیرون آمده در باب الطاق قبه‌ها بر پا می‌داشتند<sup>۳</sup> در ایران دوره قاجار شاه در این روز به سلام می‌نشست.

اشاره به برنامه‌ی یکی از سال‌ها خالی از لطف نیست: «برپایی جشن نیمه شعبان در تهران شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۰/۲۲ آوریل ۱۹۲۱/۱۴ شعبان ۱۳۳۹: «مشب به مناسبت عید نیمه شعبان در میدان توپخانه مراسم آتش‌بازی برپا شد جمعیت کثیری از مرد و زن برای تماشا در محل حضور داشتند. همچنین تمام سراها، تجارتخانه‌ها، مغازه‌ها و ... به گونه‌ای ابراز شادی و سرور نموده و دکان‌ها با چراغ‌ها زینت شده بود. برای اینکه مردم بتوانند با خاطری آسوده در مراسم این عید مسعود شرکت نمایند

از طرف حکومت نظامی تهران اعلام شد که اهالی می‌توانند امشب تا صبح آزادانه عبور و مرور داشته باشند و مأمورین دولتی برای عبور و مرور در شب متعرض کسی نخواهند شد» این برنامه‌ها در سال بعد نیز جریان داشته است: «پنج‌شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۰۱/۱۳ آوریل ۱۹۲۲/۱۵ شعبان ۱۳۴۰: امروز به مناسبت تولد امام زمان (عج) همه وزارتخانه‌ها و دوایر دولتی تعطیل بود و به همین مناسبت مراسم سلام پیش از ظهر در حضور نایب السلطنه و در باغ گلستان اجرا شد. دیشب نیز آتش‌بازی مفصلی از طرف قورخانه در برابر اداره نظمی به نمایش گذاشته شد.»

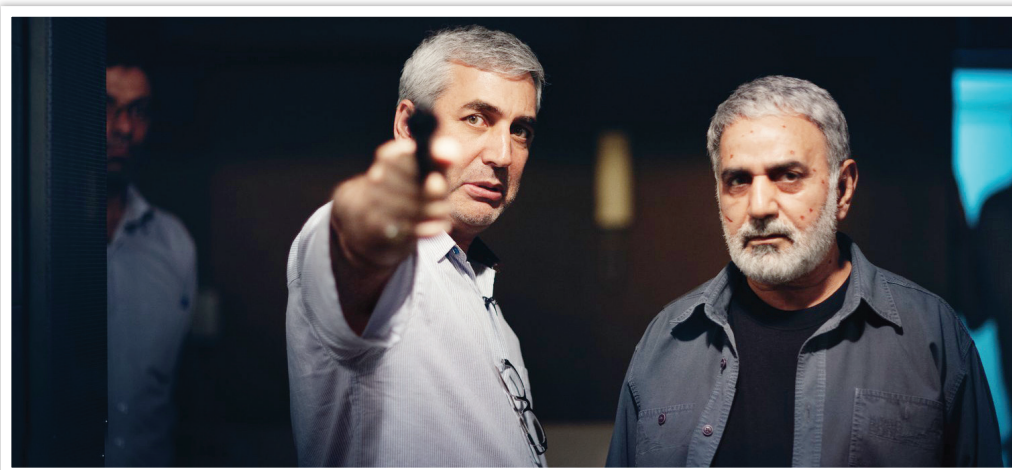
(پی‌نوشت)

۱. (تاریخ طبری / ترجمه، ج ۳، ص: ۹۴۲)
۲. (تاریخ الفی، ج ۳، ص: ۲۰۵۹)
۳. (تاریخ قاجار، حقایق الاخبار ناصری، ج ۲، ص: ۲۲۵)
۴. (تجارب الامم / ترجمه، ج ۶، ص: ۱۴۷)

## شب‌ی که تاریخ در سرور است



## حاج حیدر قهرمان فراموش شده‌ی دهه‌ی ۹۰



مریم فرهنگ

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی



«بادیگارد» تازه‌ترین اثر ابراهیم حاتمی‌کیا، فیلمی است دیدنی؛ زیرا کاری پرمضمون و دغدغه‌مند است. فیلمی که حرفی برای ارائه به مخاطب دارد. کارگردان با به کارگیری تکنیک‌های منحصر به فرد خویش، بدان سر و شکل تماشاگر پسندی داده است و فروش چهار میلیاردی بادیگارد، تأییدی بر این مدعاست.

ابراهیم حاتمی‌کیا همچون روال فیلم‌های گذشته‌ی خود، فیلمی قصه‌گو، خوش ریتم، دارای موقعیت‌های طنز و از همه مهمتر قهرمانی درجه یک دارد. فیلم، قصه‌ی یک محافظی را روایت می‌کند که از شخصیت‌های سیاسی محافظت می‌کند که با نزدیک شدن به ماه‌های پایانی خدمتش تا بازنشستگی، پی می‌برد که دیگر شخصیت‌های سیاسی دهه‌ی ۹۰ رنگ بوی اعتقادی شخصیت‌های دهه ۶۰ را نمی‌دهند و او که با دغدغه‌ی جانش را برای حفظ

و شاید در آرزوهای کسی شبیه به او را ببیند. اما او با تمام قهرمان‌های فیلم‌های هالیوودی و بالیوودی فرقی اساسی دارد، او به خاطر صرفاً انجام وظیفه کاری را انجام نمی‌دهد، او به خاطر اعتقاداتش جانش را به خطر می‌اندازد، او قهرمانی ایدئولوژیک است، قهرمانی که به مخاطبش معیار و میزان سنجش حقیقت می‌دهد. در دورانی که قهرمان‌ها بر روی پرده‌ی سینما مرده‌اند، حاج حیدر گنجی است نایاب که سینما به واسطه‌اش هویت می‌یابد.

بادیگارد رانه می‌توان فیلمی کلاسیک دانست و نه مدرن بلکه تلفیقی از هر دو است که مهارت کارگردان را در استفاده‌ی درست و دقیق از تکنیک‌های فیلم‌سازی را نشان می‌دهد. فیلمی که در برخی نقاط از تدوین خطی و در برخی نقاط از تدوین موازی بهره برده است، فیلمی که به جا مخاطبش را شگفت زده می‌کند و گاهی می‌خنداند و به همین دلیل از ریتمی تند و ضرباهنگی مناسب برخوردار است.

باید وجود کارگردانی همچون ابراهیم حاتمی‌کیا را گرامی داشت که با هنرشان در بیش از سه دهه و با ساخت ۱۸ فیلم سینمایی توانسته است، تلاشی شگرف در جهت شناخت آرمان‌های انقلاب اسلامی به نسل‌های مختلف بدهد.

می‌گذارد که از شخصیت نظام دفاع کنیم نه فقط از یک شخصیت سیاسی، پس جانم رو برای کسی میدم که در صورت حذفش ممکن باشه پای نظام لنگ بشه...» به همین خاطر از دایره سیاسی به دایره حفاظت از نخبه‌های هسته‌ای و علمی انتقال می‌یابد. بادیگارد فیلمی قهرمان محور است، قهرمان فیلم حاتمی‌کیا مهم است، زیرا در این سالهایی که مخاطبان سینما به خاطر نبود قصه و قهرمان با سینما

رخدادحفاظی کرده بودند، امروز با دیدن این فیلم می‌توانند کمی به سینمای آینده امیدوار شوند، در بادیگارد، قهرمان همان حاج حیدر است با تمام ویژگی‌های یک قهرمان مثال زدنی، در عین داشتن ذکاوت و هوش، فردی قوی و دارای سرعت عمل است، در عین حال پدری خوب و مهربان و همسری وظیفه شناس است، حاج حیدر قهرمانی از آب درآمده که مخاطب به راحتی با آن هم ذات پنداری می‌کند

جان آنها به خطر می‌انداخت حال با تغییر اعتقادات آنان، وی نیز در انجام این مسئولیت دچار شک و شبهه می‌شود. به همین خاطر است که در چند جای فیلم از زبان حاج حیدر، قهرمان داستان، می‌شنویم که: «من بادیگارد نیستم محافظم!» و در پاسخ به این سوال که: «این دو چه فرقی باهم دارند؟»، پاسخ می‌دهد: «بادیگارد، کارش ربطی به اعتقاداتش نداره، ولی من کارم اعتقادمه، جان بر سر این





# میراث مکتوب؛ هویتی ملی

محسن سعادت

دانشجوی دکتری باستان شناسی  
دانشگاه تربیت مدرس



۱۹ اردیبهشت ماه هر سال، همزمان با روز بزرگداشت شیخ کلینی با عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» نیز در تقویم ملی تصویب شده است. در این نوشته سعی داریم تا به موضوع اسناد و میراث مکتوب و اهمیت آن در حفظ هویت ملی مطالعه و بحث کنیم.

در روزگاری که ما در آن زندگی می‌کنیم، جهان روز به روز در حال تحول است و به سرعت، معیارهای موجود از بین می‌رود و شرایط جدیدی به وجود می‌آید. این دگرگونی‌های سریع، بر مفاهیم حکومت، ملیت، کشور، مرز و بسیاری مسائل اثر می‌گذارد و آنها را دچار دگرگونی و تحول می‌کند. اقتصاد در حال جهانی شدن است، یعنی اقتصاد تمام کشورها یک راه را می‌پیمایند و شرکت‌های چند ملیتی حاکم می‌شوند. در حالی که دنیا به این شکل در حال دگرگونی و عوض شدن است، حاکمیت‌های چند ملیتی جایگزین حاکمیت‌های ملی می‌شود. به عنوان مثال تعداد کارگران و کارمندان شرکت مک دونالد از جمعیت کویت، عمان و امارات بیشتر است. این شرکت‌ها پیرو سیستم‌های خصوصی هستند. امروزه استخدام دولتی در اروپا به سرعت از بین می‌رود و جای خود را به استخدام در شرکت‌های خصوصی می‌دهد. در نتیجه شخص استخدام شده وفاداریش به شرکت چند ملیتی تعلق می‌گیرد. با این تحولات وفاداری فرد تغییر اساسی پیدا کرده و در نتیجه حاکمیت ملی نیز تغییر اساسی پیدا می‌کند. شخص ممکن است کارمند مک دونالد در هنگ کنگ باشد و قانون هنگ کنگ را به خاطر منافع مک دونالد زیر پا بگذارد. اگر این مسئله را از دید جغرافیای سیاسی در نظر بگیریم مسئله هویت ملی مطرح می‌شود. هویت اصولاً یک مسئله ذاتی است



این منابع به گونه‌ای است که درصد درخور توجهی از عبار یک پژوهش تاریخی با میزان استفاده آن از اسناد تاریخی و نسخ خطی سنجیده می‌شود. در برخورد با اسناد سه مرحله جمع آوری، حفظ و استفاده از آنها مهم است. اگر ما به هر کدام از این مراحل توجه نکنیم ثمره خوبی از کار حاصل نمی‌شود. برای مثال زحمت می‌کشیم، اسناد را جمع آوری می‌کنیم، اما بلد نیستیم آنها را طبقه بندی یا حفظ کنیم و در نتیجه به اسناد آسیب می‌رسد. گاهی هر دو کار را انجام می‌دهیم ولی استفاده نمی‌شود و اسناد خاک می‌خورند. بنابراین سه مرحله‌ی فوق لازم و ملزوم همدیگر هستند.

به گفته‌ی دکتر سوزنچی، رئیس مرکز اسناد ملی خراسان رضوی، امروزه مراکز اسنادی به عنوان مرزبانان تاریخ و در عین حال مأموریت خطیری بر عهده آنان واگذار شده است. چرا که با بهره‌گیری از آثار مکتوب بر جای مانده می‌توان به هویت و فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی دست یافت. البته این امر حاصل نمی‌گردد مگر با بسترسازی و حمایت‌های شایسته از این مراکز که می‌توان بدین صورت به تهاجم‌های فرهنگی تبلیغاتی غرب که در حال خدشه وارد کردن به هویت اصیل ایرانی و اسلامی می‌باشد پاسخ قانع و جامع داد.

ملی نیز به عنوان شناسنامه یک ملت تلقی می‌شوند. بنابراین برای تعیین هویت یک ملت و این که از کجا آمده و چه سرنوشتی و تمدنی داشته، باید به اسناد مراجعه شود و از طریق اسناد است که می‌شود تاریخ یک ملت را تدوین نمود نه از طریق قصه و افسانه! اسناد و نسخ خطی از منابع مهم مورد استفاده در پژوهش‌های تاریخی هستند. امروزه کمتر پژوهش تاریخی را سراغ داریم که بدون استفاده از این دو منبع مهم به انجام برسد. اهمیت استفاده از

و این تغییرات اقتصادی، به هیچ وجه هویت را از بین نخواهد برد. با اینکه این دگرگونی‌ها با هویت و ملیت در چالش است ولی حسایست‌ها برای حفظ هویت بیشتر می‌شود. برنامه‌ریزی مناسب برای هویت ملی، مسلماً به سود منافع ملی هر کشوری است. اسناد نیز همچون آثار و ابنیه تاریخی، به عنوان مهمترین وسیله شناسایی و تعیین هویت یک ملت به حساب می‌آیند. همانگونه که شناسنامه برای یک فرد تعیین هویت می‌کند، اسناد

می‌دهد. در نتیجه شخص استخدام شده وفاداریش به شرکت چند ملیتی تعلق می‌گیرد. با این تحولات وفاداری فرد تغییر اساسی پیدا کرده و در نتیجه حاکمیت ملی نیز تغییر اساسی پیدا می‌کند. شخص ممکن است کارمند مک دونالد در هنگ کنگ باشد و قانون هنگ کنگ را به خاطر منافع مک دونالد زیر پا بگذارد. اگر این مسئله را از دید جغرافیای سیاسی در نظر بگیریم مسئله هویت ملی مطرح می‌شود. هویت اصولاً یک مسئله ذاتی است

## سانسور شده‌های دنیای باستان

حسین ناصری صومعه

دانشجوی دکتری باستان شناسی  
دانشگاه تربیت مدرس

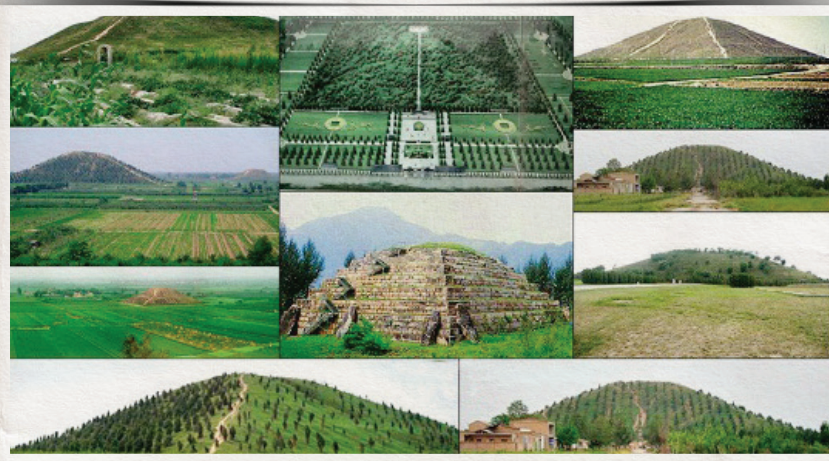


### بخش اول: اهرام اویغوری چین

وقتی ما کلمه هرم یا اهرام را می‌شنویم یا جایی می‌بینیم، ناخودآگاه به یاد کشور مصر و اهرام ثلاثه مشهور آن می‌افتیم. شاید برای شما جالب باشد که بدانید اهرام و تکنولوژی ساخت آنها فقط مربوط به مصریان نبوده و در برخی تمدن‌های باستانی دیگر مانند آمریکای جنوبی، می‌توان بناهای هرمی شکل را مشاهده کرد. اما مرموزترین نمونه‌ی آنها شامل تقریباً ۱۰۰ هرم باستانی در استان شانسی در مرکز کشور چین قرار دارد. این آثار از مهم‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی جهان در سال‌های اخیر به شمار می‌روند.

وجود این اهرام را تا چند دهه قبل دولت چین انکار می‌کرد. دانشمندان چینی ادعا دارند که این اهرام، تپه‌های دفن اموات هستند و در آنها ارواح شرور ساکن هستند و به همین دلیل تجاوز به حریم آنها موجب طغیان و نابودی تمدن چین می‌شود و از این رو هرگز اجازه‌ی حفاری رسمی داده نشده است.

ساده‌ترین شرح درباره آنها این است که این اهرام بخشی از معابدی هستند که در گزارشات ثبت شده به آنها اشاره شده و بیشتر آنچه که باستان شناسان درباره‌ی این اهرام می‌دانند براساس مشاهدات و روایات است. این اهرام



وجود مومیایی‌ها که معروفترین آنها در صحرای تاریم (طارم) قرار گرفته است؛ مومیایی‌های تاریخ مجموعه‌ای از ۵۰۰ مومیایی است. دولت چین آنها را مخفی نگه داشته و پنهان کرده است، زیرا بسیاری از این مومیایی قیافه‌ی غیرچینی دارند. دولت چین در ۶۰ سال گذشته سعی در مخفی نگه داشتن یا از بین بردن این اهرام را داشته است. درباره‌ی چگونگی کشف هرم‌ها ادعاهای زیادی وجود دارد. یکی از این ادعاها از رؤیت هرم توسط "جیمز گوسمن" خلبان آمریکایی در خلال جنگ جهانی دوم حکایت دارد. گوسمن در آن برهه از هندوستان به طرف چین پرواز کرده بود. به دنبال "گوسمن"، "هاردویگ هاسدورف" محقق

خیلی قبل تر و بزرگتر از اهرام ثلاثه مصر بوده و می‌توان گفت اولین اهرام ساخته شده در جهان هستند. متأسفانه حکومت چین نزدیک شدن و حتی تحقیق پیرامون این اهرام را ممنوع اعلام کرده و در حال تخریب بسیاری از این اهرام است. از این رو به دلیل نبود کاوش‌های علمی ادعای بسیاری از سوی اقوام و ملل مختلف بر آنها وارد شده است. من جمله اروپائیان در ترفندهایشان می‌گویند، که آنها به اقوام اروپایی تعلق دارند، ولی هیچ توضیح و توجیه علمی - تاریخی برای این گفته ندارند. این اهرام نشان دهنده تمدنی است که به وضوح نشان دهنده غیرچینی بودن آنهاست. من جمله

و نویسنده‌ی آلمانی به دنبال این موضوع برای تحقیقات به منطقه می‌آید و اشیاء زیادی را از این هرم جمع‌آوری می‌کند. به اعتقاد هاسدورف، هرم‌های فوق به دوره‌ی پروتوتورک‌ها و اویغورهای باستان (مردمان بومی منطقه) تعلق دارد و درون آنها نوشته‌ها و مومیایی‌های مختلفی وجود دارند. لازم به توضیح است که اویغورها مردمان غیرچینی آن منطقه هستند که در ایالت خودگردان سین کیانگ به مرکزیت اورومچی زندگی می‌کنند. مردم اویغور از اقوام مسلمان هستند که از طرف جامعه و دولت چین انکار و سرکوب می‌شوند. بایستی اضافه شود که خود واژه‌ی اویغور نیز به معنی مدنیت و تمدن است. اروپائینی که توانسته‌اند با پوشش گردشگر با مردم محلی اطراف اهرام ملاقات کنند، گفته‌اند این مردم اهرام را متعلق به خدای خورشید و مومیایی‌ها را فرزندان خورشید می‌دانند. آنها از وجود سمبل‌ها، مجسمه‌ها و نقاشی‌هایی خبر می‌دهند که به احتمال فراوان متعلق به اویغورهای باستان است. یک راهنمای محلی چینی همچنین از وجود هزاران نقش و دیوار در طبقه‌ی تحتانی این هرم‌ها سخن گفته و به وجود نشانه‌های ماه، ستاره و سر گرگ اشاره داشته است اما اجازه بازدید از آن طبقه به گروه داده نشده است. با وجود تمام این تفاسیر، به دلیل نبود اجازه برای کاوش‌ها و بررسی‌های علمی باستان شناختی، نمی‌توان در مورد این اهرام عظیم الجثه حتی بزرگتر و پرابهت‌تر از اهرام مصر هستند، اظهار نظر قطعی نمود. از این جهت است که این آثار از مرموزترین آثار ساخت بشر بر روی کره زمین بوده و تاکنون دست اندازی‌های بسیاری برای تصاحب این تمدن ایجاد شده است.



راست انداخت و سرش را پیش آورد و آهسته گفت: «برو به همین مقدار قانع باش، چون اگر دیگر خواهر و برادرانمان از اقصا نقاط کشور متوجه بشوند که چنین میراثی وجود دارد، همین قطره چکان هم به من و شما نمی‌رسد!»

گفتم: «مثل اینکه دوست ندارید دست کم یک «هائری کربن» درست و حسابی بشوم؟» گفت: «چه طور مگر؟» گفتم: این پژوهشگر، متدلوژی و تاریخ فلسفه اسلامی دارد و معتقد است که علم با این رشد خاتمه نیافته است. سید حیدر آملی را به ما شناسانده است. ترکه اصفهانی،

روزبهانی و علاءالدوله سمنانی، قاضی سعید قمی و بسیاری دیگر از نخبگان مسلمان را به ما معرفی کرده است. مگر پیش از وی ما اطلاعی از نوشته‌های هرمسی و مکتب نوافلاطونی داشتیم؟

میان حرفم پرید و گفتم: «فهمیدم! می‌خواهی بن‌های کتاب را به «آب کر» وصل کنی تا «کربن» شوی!»

گفتم: «آی گفتم! آی گفتم! جانا سخن از زبان ما می‌گویی!»

گفت: برای آنکه کربن شوی، راه دیگر این است که به نمایندگان مجلس محلی و کانون نخبگان و مؤلفان و هنرمندان و استادان و ناشران و احزاب فلان و بهمان و رؤسای ادارات و و و ... وصل شوی. زیرا برای بعضی، این بن‌ها ابزار دلبری است! از هر کدام که سهمیه‌ای بگیری، بن‌هایت به «کر» وصل می‌شود و «کربن» می‌شوی!

از پیشنهاد وی تشکر کردم و از منطقه‌ی خطر دور شدم. زیرا ممکن بود در نمایشگاه چشم به کتابی بخورد و توان خرید آن را نداشته باشم و حسرت به دل بمانم. روزی از جلوی کتابفروشی های خیابان انقلاب می‌گذشتم. انبوه دستفروش ها و دکه دارانی را مشاهده کردم که بن کتاب را به زیر قیمت واقعی خریداری می‌کردند و در دست هر کدام دسته های صدتایی بن های خریداری شده به چپ و راست رژه می‌رفتند و دلبری می‌کردند. آنجا بود که فهمیدم ما دانشجویان که مشتریان واقعی کتاب می‌باشیم بسیاری بی‌بن‌ایم.



## اسطوره‌ی بن

کد ملی، مبلغ بوق... هزار تومان ببردازید و بوق... هزار تومان کارت اعتباری کتاب دریافت نمایید.

هم اتاقی‌ها که گارد حمله گرفته بودند تا با جشن پتو، مرا ادب کنند، با شنیدن این خبر، هورا کشیدند و موضوع را به دیگر اتاق‌های خوابگاه مخابره کردند و بعد هم با خوشحالی به عالم هپروت رفتند.

صبح روز بعد با قالیچه‌ی حضرت سلیمان خودمان را به نمایشگاه کتاب رسانیدیم. خدا نصیب گرگ بیابان نکند!

از جلوی اتاق بن و دستگاه‌های خودپرداز تا بیرون در ورودی نمایشگاه، هزار ماشاالله! بزم به تخته، دوستداران کتاب صف بسته بودند. سریع چرتکه انداختم و محاسبه کردم و به این نتیجه رسیدم که تا یک هفته پس از برچیده شدن بساط نمایشگاه، نوبت من فلک زده نخواهد شد. اصلاً مقرون به صرفه نبود، لقایش را به بقایش بخشیدم. در گوشه‌ای یکی از عوامل اجرایی نمایشگاه را دیدم. یقه‌اش را چسبیدم و گفتم: «داداش! مگر ما و شما فرزندان حضرت آدم و حوا نیستیم؟»

با تعجب گفت: «خب بله همین طور است! منظور؟» گفتم: «خوب از این میراث چند میلیارد تومانی یارانه به بخش کتاب، به اندازه‌ای که بن دانشجو بدهید که بتوانم مزارع پژوهش و تحقیقاتی‌ام را آبیاری کنم! با قطره چکان که چیزی سبز نمی‌شود!» با همین یکی دو عبارت من تا آخر خط را خواند. نگاهی به چپ و

بریده بریده و با وحشت و با لحنی عذرخواه گفتم: گلی به گوشه‌ی جمال سایت وزارت ارشاد که این همه مراعات حال ما دانشجویان را کرده است. بعد هم با کمال پرویی فریاد زدم: توجه توجه! به مفاد اطلاعیه‌ای که هم اینک به دست من رسیده است توجه فرمایید: چنانچه مبلغ بوق... هزار تومان بن کتاب در دتان را چاره نمی‌کند لطفاً به نمایشگاه کتاب مراجعه کنید و با ارائه‌ی شماره‌ی دانشجویی و

کارت شناسایی‌ام رویت شد و جلوی نامم در لیست تیک خورد. بن‌ها پیش چشمان عطشناک من ورق خوردند: یک، دو، سه، چهار، پنج... از شور و هیجان، آرام و قرار نداشتم و مرتب این پا و آن پا می‌شدم و رقص «چا چا» می‌کردم! من نیز پس از جوجه‌ریزی آونگ و ... مسئولان وزارت ارشاد در نظر داشتند که همه‌ی ملت را کتاب خوان کنند! به صغیر و کبیر هم رحم نکرده بودند و به همه بن سهمیه‌ای اختصاص داده بودند. آمار مطالعاتی کشور را نگاه کردم، دیدم از ۲ تا ۴ دقیقه در سال است! با تعجب لب‌ها را غنچه کردم و بی‌اختیار سوت بلند و ممتدی کشیدم. با این خبط و خطا، پتوهای خوابگاه مثل مواد منفجره به هوا پرتاب شد و رفقای دانشجو مثل فنر از جا پریدند و زمزمه‌ی چی شد؟ کی بود؟ کجا بود؟ سکوت شب را شکست. سوت من آزر خطری بود که همه را زابراه کرد.



احمد فرهنگ

کارشناسی ارشد ادبیات  
دانشگاه تربیت مدرس



در تابلوی اعلانات دانشگاه، اطلاعیه‌ای توجهم را جلب کرد. باورم نمی‌شد، آهای به گوش! آهای به هوش! بن کتاب آماده توزیع است! امروز بشتابید که فردا دیر است. انگار که عرش الهی را به من داده بودند. به طرف ساختمان امور اداری دانشگاه پرواز کردم. احساس عجیبی داشتم. لحظاتی پنداشتم که در میان مزارع وسیع سرزمین سیلک - این تمدن هشت هزار ساله‌ی تاریخ ایرانی - قدم می‌زنم و «تیشتر» ستاره‌ی باران، دروازه‌های برکت آسمانی را به روی زمینیان گشوده است تا ساحل کویر مرکزی را همچون دوران باستان از ساقه‌های طلایی و سنبله‌های زندگی بخش گندم پر سازد! در این رؤیاها غوطه‌ور بودم که ناگهان خود را جلوی دفتر سیلوی بن پرور مالی دانشگاه یافتم.

کارت شناسایی‌ام رویت شد و جلوی نامم در لیست تیک خورد. بن‌ها پیش چشمان عطشناک من ورق خوردند: یک، دو، سه، چهار، پنج... از شور و هیجان، آرام و قرار نداشتم و مرتب این پا و آن پا می‌شدم و رقص «چا چا» می‌کردم! من نیز پس از دریافت، شمارش را آغاز کردم، کارمند مالی که غرق مطالعه‌ی لیست بود ناگهان سر برداشت و گفت: ببخشید، مثل اینکه اشتباه شد. چون یخ و رفته. در ادامه گفت: برای دوره‌ی دکترا بوق... بوق... هزار تومان و برای شما که کارشناسی ارشد هستید بوق... هزار تومان! داشتم توی مایه‌ی کوفته‌ی وارفته سیر می‌کردم که بن‌ها را از دستم قاپید و با کم کردن چند قطعه از آن، بقیه را برگرداند. برای حفظ آبرو فوری از در بیرون زدم. در راه نقشه‌ها کشیدم. گاهی می‌گفتم: اگر با محسن همکلاسی‌ام شریک شوم، کتاب «ادبیات عامیانه‌ی ایران» دکتر

## بسیار سفر باید، تا پخته شود خامی

رحیمه زرگر (رها)

کارشناسی ارشد مترجمی زبان فرانسه



بالاخره روز موعود از راه رسید. امروز باید، برای رفتن به سفر بدرقه‌اش کنم. از یک ماه قبل برای این روز خاص کلی برنامه ریختم. اول طبق معمول، یک لیست تهیه کردم تا چیزی از قلم نیفتد. این چند روزه هم مشغول خرید یکسری از وسایلی بودم که برای این سفر لازم بود. برای اینکه امروز حسابی سرحال و رو فرم باشم، دیشب کلی بهش رسیدم. هر ترنددی بلد بودم به کار گرفتم تا حسابی خوشگل بشم. آخه به نظرم این سفر مهمیه؛ یک نوع سفر رو به کمال! به ساعت نگاه می‌کنم. دیگه وقت رفتن. می‌شینم روبروش و به

بار دیگه با دقت نگاه می‌کنم. الحق که چیزی کم نداره! این جمله رو چند بار با خودم تکرار می‌کنم و سعی می‌کنم به خودم دلداری بدم: «بسیار سفر باید، تا پخته شود خامی!» در وسیله رو باز می‌کنم.

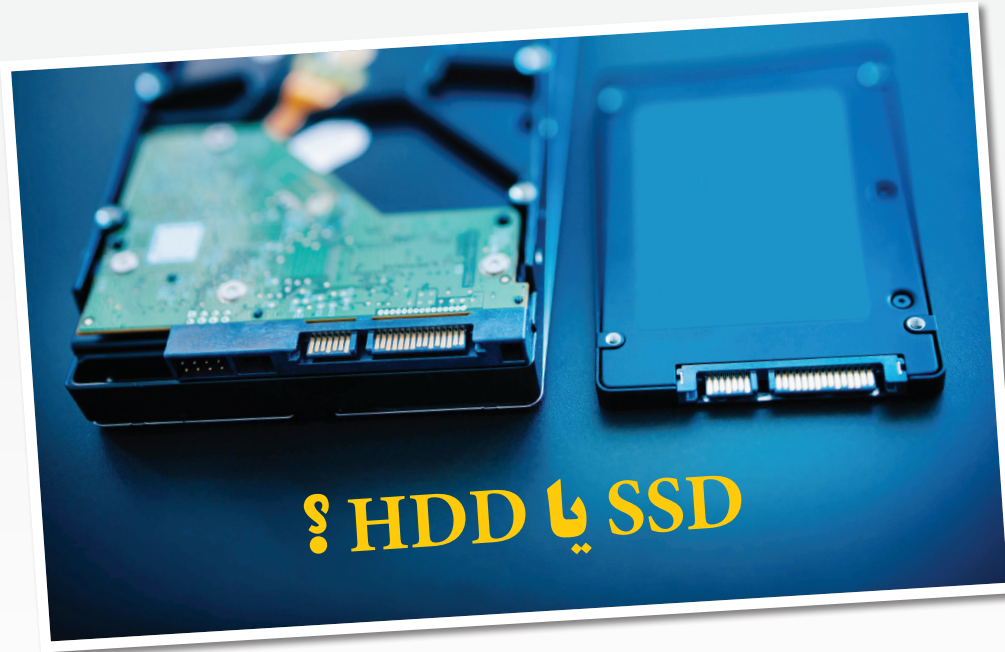
بلندش می‌کنم و می‌زارمش داخل. هنوز دارم نگاه می‌کنم که چراغ‌ها روشن می‌شه. صورتم رو بر می‌گردونم که اشکام رو نبینم! خداحافظ عزیز خوشگلم! خداحافظ مرغ خوش عطر و خوشمزه من مطمئنم این سفر تو رو حسابی پخته می‌کنه و امشب گل سرسبد مجلس ما می‌شی!







بابک جانجان

دانشجوی دکترای الکترونیک  
دانشگاه تربیت مدرس

## HDD یا SSD؟

Between Failures به معنای میانگین زمان خرابی می باشد. زمان خرابی SSD ها ۲ میلیون ساعت و HDD ها به دلیل داشتن قطعات مکانیکی ۱/۵ میلیون ساعت تخمین زده شده است.

عدم تولید صدا: HDD ها در حین کار ۲۴ dB صدا تولید می کنند ولی SSD ها هیچ تولید صدایی در هنگام کار ندارند. وزن کمتر SSD: های نوت بوک ها یک پنجم HDD ها نوت بوک ها وزن دارند. یک درایو جامد ۸۰ گرم و یک دیسک سخت ۷۵۰ گرم وزن دارد. در عین حال حجم کمتری نیز دارند. تحمل گرما و سرما: دمای عملیاتی HDD های نوت بوک از ۵ تا ۵۵ درجه سلسیوس و دمای عملیاتی SSD های نوت بوک از ۰ تا ۷۰ درجه سلسیوس است.

علاوه بر این SSD ها بر عکس HDD ها در مقابل اثرات میدان مغناطیسی ایمن هستند. سرعت کپی کردن فایل ها در SSD ها در حدود ۲۲۰ MB/S تا ۵۵۰ MB/S است در حالی که برای HDD ها در حدود ۵۰ تا ۱۲۰ MB/S است. اما ظرفیت ذخیره اطلاعات در هاردهای HDD نسبت به SDD بالاتر و ارزانتر است. قیمت SSD ها چیزی در حدود ۵ تا ۶ برابر است.

نکته آخر این SSD ها بر خلاف HDD ها نیاز به یکپارچه سازی (Defragment) ندارند و این کار به طور مشهودی از عمر مفید آنها خواهد کاست چرا که حافظه را به خواندن و نوشتن بی مورد اطلاعات و می دارد که نهایتاً نتیجه ای جز کم شدن عمر مفید هارد دیسک ندارد.

آنها را برای نوت بوک بسیار مناسب می نماید. SSD ها در حین لرزش و وقفه ای در عملیاتشان ایجاد نمی شود ولی HDD ها به دلیل داشتن قطعات متحرک در حین لرزش ممکن است عملیات را متوقف کنند.

مصرف انرژی کمتر و تولید گرمای کمتر: SSD ها ۲۰ درصد کمتر از HDD ها انرژی مصرف می کنند و مصرف باتری نوت بوک یا برق را بسیار کاهش می دهند.

قابلیت اطمینان بالا مقیاس اندازه گیری مقاومت ابزارهای ذخیره سازی اطلاعات MTBF مخفف Mean Time

مستقیم و بی واسطه دسترسی به داده ها است. به همین خاطر است که سرعت دسترسی در این هاردها بسیار بالا است. در ادامه مزیت های SSD ها بر HDD ها به طور خلاصه بیان شده است.

دسترسی سریع: سرعت باز کردن یک فایل توسط SSD نسبت به HDD در حدود ۳۰ درصد سریعتر است در نتیجه سرعت بارگذاری سیستم عامل و دسترسی به داده ها در آنها بسیار بالاست. مقاومت بالا در برابر لرزش و ضرب: مقاومت SSD در برابر ضربه در حدود ۱/۶ برابر HDD ها هست که

علت این نامگذاری این است که از نیمه رساناهای حالت جامد ساخته می شوند. ارائه این نوع حافظه ها به قبل از سال ۱۹۹۰ می رسد اما از سال ۱۹۹۵ به بعد مرسوم شدند. SSD ها بر مبنای حافظه های فلش هستند و هیچ قطعه متحرکی در ساخت آن بکار برده نمی شود. اطلاعات در بلوک های مخصوصی ذخیره سازی می شوند و هر زمان که رایانه به داده ای خاص نیاز داشته باشد، هاردهای SSD سریعاً قادر به یافتن و در اختیار قراردادن آن می باشند. در حقیقت کارایی بالای هارد SSD به خاطر همین روند

HDD مخفف Hard Disk Drive به معنای دیسک درایو سخت می باشد که بزرگترین حافظه ی ذخیره سازی جانبی دائمی موجود در رایانه ها است. تقریباً همه داده ها مانند سیستم عامل، فایل ها، برنامه ها و... روی HDD ذخیره می شوند و معمولاً به اندازه یه کتابچه با اندازه های بین ۸/۹ تا ۱۵/۳ سانتی متر هستند. HDD اولین بار در سال ۱۹۵۶ (حدود ۶۰ سال پیش) توسط شرکت IBM با ظرفیت ۳/۷۵ MB ارائه شده است. HDD ها از خاصیت مغناطیسی برای ذخیره سازی داده ها استفاده می کنند. یک سر سوزنی یا هد بر روی دیسک های در حال چرخش قرار دارد که می تواند به محل قرارگیری داده (یا محلی که داده می خواهد نوشته شود) رفته و آن را بخواند (بنویسد) و در اختیار رایانه قرار می دهد. سرعت دیسک ها تأثیر مستقیمی روی عملکرد HDD دارد و هر چه بیشتر باشد بهتر است. در لپ تاپ های متداول سرعت دیسک ها برابر با ۵۴۰۰ یا ۷۲۰۰ دور در دقیقه است. هر چند سرعت این دیسک ها در برخی سرور ها می تواند چیزی در حدود ۱۵ هزار دور در دقیقه برسد.

هارد SSD مخفف Solid State Disk به معنای دیسک حالت جامد است

## جهان در آستانه تحولی بزرگ



کار خود قرار دهند. تنها چیز لازم یک چاپگر سه بعدی و مواد چاپی مانند پلاستیک، موم، سرامیک، و فلز است که اجازه چاپ جسم در سه بعد را می دهد. با این حال، این روند طولانی است. ساعت ها و یا حتی روزها طول می کشد تا یک مدل سه بعدی چاپ شود و اغلب یک خطای کوچک می تواند کل چاپ را بی فایده کند. هزینه بالای چاپگر سه بعدی نیز نقطه ضعف بزرگی برای کاربران خانگی به حساب می آید. قیمت چاپگرهای سه بعدی خانگی امروزی از ۳۰۰ پوند تا ۳۰۰۰ پوند متفاوت است.

انتظار می رود انقلاب چاپگرهای سه بعدی ادامه داشته و نه تنها ساخت سنتی را به چالش بکشاند بلکه اثرات قابل توجهی در خودروسازی، پزشکی، و سایر صنایع داشته باشد. شصت و هفت درصد تولیدکنندگان در حال حاضر از چاپگرهای سه بعدی استفاده می کنند.

تقریباً امکان ساخت همه چیز با کمک چاپگرهای سه بعدی به وجود خواهد آمد، از قطعات هوا فضا گرفته تا اسباب بازی. همچنین می توان از چاپگرهای سه بعدی برای جواهرات، طراحی مد، معماری، هنر، و طراحی داخلی استفاده کرد.



می توان رسم کرد، می توان تولید کرد». آینده ای نویدبخش به گفته کارشناسان، چاپگر سه بعدی، همراه با اینترنت، می تواند تاریخ را بازنویسی کند. در حال حاضر همه چیز را می توان دانلود و در خانه چاپ کرد. ساخت افزودنی به مردم اجازه می دهد محصولات زندگی واقعی را چاپ کرده و در خانه یا محل

و سپس ساخت آن با استفاده از روش لایه بندی را می دهد. این یک فرآیند نمونه سازی است که در آن یک شیء واقعی از یک مدل سه بعدی دیجیتالی ساخته می شود، که می تواند اسکن تصاویر سه بعدی، طراحی رایانه ای، و یا صرفاً یک تصویر دانلود شده از اینترنت باشد. معمولاً در مورد چاپ سه بعدی این طور گفته می شود که «هر چیز را که

سال گذشته شدیداً افزایش یافته است. ما شاهد بهبود در سرعت چاپ، طیف وسیع تری از مواد و اشکال جدید روش های ساخت افزودنی بوده ایم.» او به افزایش فروشندگان آسیایی اشاره می کند که تلاش دارند بر بازارهای موجودی چون آلمان و آمریکا غلبه کنند. چاپگر سه بعدی، فناوری ای است که اجازه طراحی اشیاء با استفاده از نرم افزار

چاپ سه بعدی می تواند تقریباً همه چیز را از سلول های بنیادی انسان گرفته تا یک ماشین تولید کند و در طی تاریخچه ۲۹ ساله خود جزو محبوب ترین صنایع است. این صنعت در سال ۲۰۱۴ ۳۵٫۲ درصد افزایش یافته و انتظار می رود در پایان این دهه به یک صنعت جهانی ۲۰٫۲ میلیارد دلاری تبدیل شود.

بر اساس گزارش ۲۰۱۵ وولترز، صنعت جهانی چاپ سه بعدی، یا همان طور که گاهی «ساخت افزودنی» نامیده می شود، سال گذشته به ارزش ۴٫۱ میلیارد دلار بود که نسبت به سال ۲۰۱۳ ۳۴٫۹ درصد رشد داشت. این صنعت نرخ رشد سالانه ۳۳٫۸ درصد را در سه سال گذشته تجربه کرده است. صنعت فناوری چاپ سه بعدی در سال ۱۹۸۶ آغاز شد و در سال ۱۹۹۵ فقط ۲۹۵ میلیون دلار ارزش داشت. طبق داده های شرکت تحقیقاتی کنلیست، انتظار می رود مواد و خدمات چاپ سه بعدی در بازار جهانی و در سال جاری با ۵۶ درصد رشد به ۵٫۲ میلیارد دلار برسد که در سال ۲۰۱۴ ۳٫۳ میلیارد دلار بود.

جو کمپتون، تحلیلگر تحقیقاتی کنلیست، می گوید: «طبق انتظار، بازار چاپگرهای سه بعدی در طول چند



# مدرسه‌ای برای تربیت



محبوبه پارسا  
دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی



کار که همان عنصر جدایی‌ناپذیر زندگی امروز بشر است چه رابطه‌ای می‌تواند با تربیت داشته باشد؟  
بنابر تعریفی که امروزه از کار در اذهان جای گرفته، کار فقط عاملی است برای کسب پول. به طور قطع با این نگاه، کار، عامل تربیت نمی‌باشد کاری که در اسلام و حتی غیر اسلام محترم شده و در مقابل آن بیکاری که منشأ بسیاری از گناهان است، منفور شمرده شده تا آنجا که جوان بیکار از چشم پیامبر می‌افتد و بنابر حدیث نبوی لعنت خدا بر کسی است که بیکار بگردد و سنگینی معاش خود را بر دوش مردم بیندازد.<sup>۱</sup>  
ساموئل اسمایلز<sup>۲</sup> نیز در کتابی به نام اخلاق از اهمیت کار می‌گوید: بعد از دیانت، مدرسه‌ای برای تربیت انسان، بهتر از مدرسه کار ساخته نشده است.  
بنابراین فهم اهمیت کار نگاه جامع‌تری را می‌طلبد. و اگر فقط با کسب درآمد سنجیده شود، دیگر عامل تربیت و انسان‌ساز نخواهد بود و از طرف دیگر اگر این کار تنها به فعالیت جسمانی منتهی شود و هیچ حرکت فکری و قلبی در آن لحاظ نشود، باز هم عامل رشد و تربیت‌مان نخواهد بود چرا که انسان موجودی چند بعدی است یعنی علاوه بر جسم دارای عقل و قلب نیز می‌باشد و حرفه‌ای که مطابق با استعداد و ذوق باشد باید در هر سه حیطه عقل و قلب و بدن به بار بنشیند و ثمربخش باشد. در اینصورت است که کار، عامل زندگی

برای حرکت در مسیر رشد مادی و معنوی به هر دو ابزار نیاز هست. استاد شهید مرتضی مطهری، علم و عمل را دو بال برای حرکت می‌دانند و یادآور می‌شوند: در آثار دینی ما مکرر به این نکته اشاره شده که علم است که به عمل ارزش می‌دهد. اثر و ارزش یک کاری که با نیروی علم و معرفت صورت گیرد صدها برابر کاری است که جاهلانه صورت گیرد.<sup>۳</sup>

علاوه بر آن دستور قرآن به مسلمانان مبنی بر قوی‌تر کردن هر چه بیشتر نیروی نظامی‌شان در سایه علم و دانش و تلاش و تکاپوست. کما اینکه در بیان مقام معظم رهبری نیز اهمیت علم و پیشرفت علمی و تاثیر آن در عمل و حرکت اقتصادی غیرقابل انکار است: «اگر ما پیشرفت علمی را دنبال کردیم آن وقت اقتصاد دانش پایه که سرمایه گذاری‌اش اندک است اما فرآورده و محصولش بسیار زیاد است در اختیار ما قرار خواهد گرفت»<sup>۴</sup>.

(پی نوشت)

۱. کافی. ج. ۵. ص ۷۲

۲. شاعر و نویسنده بریتانیایی

۳. طه. ۱۱۴

۴. مرتضی مطهری. تربیت و رشد اسلامی. ص ۱۲۵

۵. بیانات در دیدار رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری. ۹۴/۱۲/۲۰

که خدایا علم مرا زیاد کن<sup>۳</sup>. بنابراین این یک وظیفه همگانی است. این اهمیت اسلام به دانش و کار ما را به درک این نکته مهم می‌رساند که در جامعه اسلامی کارگر و دانشمند در کسب دانش از یکدیگر مستثنی نیستند بلکه

و دانشمند، فرض و واجب است. در کنار عوامل فوق، عامل دیگر سازندگی کار، همراه بودن آن با دانش است. ارزش دانش آنجا فهمیده می‌شود که پیامبری که مخاطب وحی است از طرف خداوند موظف می‌شود دعا کند

می‌شود و انسان خودش را کشف می‌کند و سازندگی را به همراه دارد هر چند گاهی عامل کسب درآمد نباشد. بنابراین به عنوان مثال می‌توان کسب علم را یک کار انسان‌ساز به شمار آورد چرا که حق علم، عمومیت دارد و بر هر دو قشر کارگر

# عاقل به جنون نگه کند با تردید

عاطفه سلطانی

دانشجوی کارشناسی ارشد همتولوژی  
دانشگاه تربیت مدرس



چرا که به خاطر دارم بزرگی می‌گفت: «مادام که تو در سطح دیگران و همراه حشرات الأرض باشی، حرف‌های تو راه احساس‌های تو را و آرزوهای تو را می‌فهمند، گر چه با تو درگیر شوند، ولی برای آنها آشنایی، بیگانه نیستی؛ که مثل همان‌ها و در همان سطح زندگی می‌کنی. اما همین که از سطح عادت‌ها و غریزه‌ها و جریان‌های طبیعی زندگی بالاتر آمدی بیگانه می‌شوی، تنها می‌شوی...»<sup>۲</sup>  
و من می‌گویم: شاید تو را دیوانه بخوانند... اما خدا دوست‌ترت خواهد داشت.

(پی نوشت)

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

۲. سوره مبارکه اعراف آیه ۱۷۹

۳. تطهیر باجاری قرآن، علی صفایی حائری

حالیکه نه بیمارند و نه دیوانه، بلکه آنها با امر عظیمی در آمیخته‌اند...  
این دیوانگی چیست که روزگاری آدمیان بر رسولی که رحمه للعالمین بوده و هست نیز نسبت داده‌اند، این کدامین امر عظیمی است که گوشت و پوست را با آن در آمیخته‌شدن باید؟  
این کدام فرزندی است که اهل عالم دچار آندند؟ همان‌هایی که در پیلوی عادات و تعلقات نفس خود محبوسند و رهایی را دیوانگی می‌خوانند؟  
شاید این فرزندی را گوش و چشم و دلی است که خدایمان اشاره کرده است: «لَا يَسْمَعُونَ بِهَا وَلَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَا يَفْقَهُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ...»<sup>۱</sup>  
می‌بینی در این فرزندی چارپایان هم سهیمند... نه تنها چارپایان بلکه حشرات الارض ...

تا حالا دیوانه دیده‌ای؟ دیوانه واقعی را می‌گویم! همان‌هایی که هیچ کس سر از کارهایشان در نمی‌آورد، همان انسان‌هایی که برای من و تو نه تنها دیوانه، بلکه بیگانه‌اند... همان‌هایی که گویی قلب دیگری در وجودشان به طپش در آمده و نیروهای دیگری آنها را کنار من و تو به زندگی وا می‌دارد...  
دیوانه‌هایی که از سرگرمی‌ها و شادی‌ها و رنج‌های ما فاصله گرفته‌اند و رنج‌ها و شادی‌های دیگری در وجودشان طلوع کرده است... آنها را می‌شناسی؟  
همان‌هایی که امیرالمومنین علی (علیه السلام) اینطور وصفشان را برای همام فرموده:  
«ينظر اليهم الناظر فيحسبهم مرضى و ما بالقوم من مرض و يقول: لقد خولطوا و لقد خالطهم امر عظيم»<sup>۱</sup>  
آنها را می‌نگری و بیمار می‌پنداری در



## ادامه‌ی ماجراهای ما و سوسک‌ها سوسک‌های صورتی

شادی نوری

دانشجوی کارشناسی ارشد  
پترولوژی دانشگاه تربیت مدرس



مهدی دهقانی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات  
فارسی دانشگاه تربیت مدرس



از تربیت مدرس تا دکترا گرفتیم سر گیجه‌ی عجیبی از نوع A گرفتیم بگذار تا بگویم این قصه‌ی مگو را تا دیگران بدانند بعد از چه‌ها گرفتیم روز نخست چرخ‌های توی حیاط خوردیم بعدش بدون نوبت رفتیم غذا گرفتیم گفتیم برای استاد از علم بیخ فریاد پس «نمره داغ» گشتم رفتیم عزا گرفتیم هر روز تایپ کردن هر شب مقاله دادن از دست جور استاد «یا ربنا» گرفتیم رفتیم درون مسجد تا ساعتی بخوابیم هر چند مشکل اما تا اینکه جا گرفتیم، حالم کمی به هم خورد و آنگاه با دوستم سوراخ بینی‌ام را از بوی پا گرفتیم رفتیم به سلف گشنه دنبال لقمه‌ای نان اما درون سوپیم یک هشت پا گرفتیم رفتیم به خوابگاهم تا ساعتی بخوابیم «ساسی» نوازشم کرد، مالاریا گرفتیم با ناخن دستم خاراندیم آنجا را اما نبود چاره پس سنگ پا گرفتیم گفتند زن بگیریم در حین درس خواندن اول که ناز کردم بعدش ادا گرفتیم اما نشد بگیرم هنگام سومین بار پس چاره‌ای نماند و معشوقه را گرفتیم یک هفته خوب بودیم اما روز هشتم او حکمران بود و من انزوا گرفتیم من زن ذلیل؟ هرگز! من بی جنم؟ محاله با انزوا گرفتن اذن یقا گرفتیم اما برای خود هم این واقعا سوال است در این شرایط بد من زن چرا گرفتیم؟ تاکید می‌کنم باز این‌ها گذشت بر من از تربیت مدرس تا دکترا گرفتیم

وعیدهای جمع کردن وسایل و دردسرهای عظیم، که یکپو یادم آمد که از شاهدان سوال‌هایی را پرس و جو کنم.

شما خودتون در صحنه سم پاشی حضور داشتید؟ بلی بلی خودم بودم که اینجا را سم پاشی کردن.

شما هم بودین؟ بلی بلی

الان حالتان خوب است؟ فکر می‌کنم بلی.

تا اینجا سوال‌ها مثل اینکه سم‌ها با آدم‌ها کاری نداشتن.

خب بفرمایید که همه جا را سم پاشی کردن؟ بلی بلی آن هم دوبار

واقه‌ن؟ بلی واقه‌ن!

خب پس چرا در اطلاعیه از دانشجویان صاحب اتاق ساس‌دار خواسته بودن که اطلاع بیشتری بدهند؟ خب چون اتاق ماها را بصورت آرام و فقط

دور تا دور اتاق‌ها را سم پاشی کردن و

سایه‌ها را بصورت ناآرام و همه جا و همه

وسایلمان را سم پاشیدن.

آهان. از پاسخگویی شما

سپاسگزاریم

ولی خداییش همین هم



خوب است دستشان درد نکند. مثل اینکه خدا واقعا ما را ببخشد

نزدیکای اذان مغرب است با رفقا آماده شدیم برویم نماز جماعت در نمازخانه واقع در زیرزمین خوابگاه، که نزدیکی قامت بستن حاج آقا بود که متوجه هجوم سوسکی با مشخصات به معنای واقعی سوسک بسمت سجاده‌ی حاج آقا شدیم و در کمال ادب و احترام و حالات معنوی شروع به اشاراتی کردیم که حاج آقا از شما خواهشمندیم ما را در منهدم کردن این سوسک یاری بفرمایید و حاج آقا الحق و الانصاف پدري کردن

خب بنظرم اینجا در این لحظات استجاب دعا خدا باید همه ما را مورد بخشش خود قرار دهد.

زیرا

۱- نمازخانه‌ی خوابگاه یادش رفته بود شماره خود را به مسئولین اطلاع دهد

۲- سم سازان و سم پاشان هم باید تجدید نظری در تهیه و پاشیدن سم خود بفرمایند.

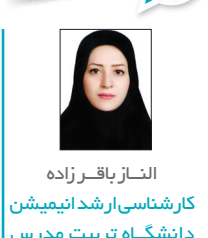
۳- خود سوسک‌های بیچاره سیستم ژنتیکی‌شان تغییر کرده است.

البته باید متذکر این مساله شد که شاید این سوسک تنها باقیمانده از نسل خوابگاهی بود که برای طلب بخشش از خوابگاهیان و مواردی از این دست به نمازخانه آمده بود که متاسفانه برخورد خوبی پا او نداشتیم

و نهایتاً می‌خواستیم یاد سخن بزرگواری بیفتیم که می‌گفتند اگر سوسک‌ها صورتی بودند اینقدر در موردشان حساسیت نبود و همه دوستشان داشتند ولی بنظرم سوسک صورتی هم بالاخره همان سوسک است. بعد آن وقت جای پروانه‌ها کجای زندگی ما بود. زندگی‌تان صورتی.



تالغ خند



الناز باقرزاده  
کارشناسی ارشد انیمیشن  
دانشگاه تربیت مدرس



## مراسم باشکوه بعثت در دانشگاه برگزار شد



محمد (صلوات الله علیه و آله) اجرا کردند. پس از آن نیز در زمینه فضایل اخلاقی رسول اکرم (صلوات الله علیه و آله) و تاریخ صدر اسلام مسابقه ای برگزار و به برندگان جوایزی اهداء شد.

الاسلام سرلک با موضوع برکات بعثت به ایراد سخنرانی پرداختند. در ادامه این ویژه برنامه، گروه موسیقی قطعاتی با مضامین دینی در مدح و ثنای شخصیت والای پیامبر رحمت حضرت

فضایی سرشار از نشاط همراه معنویت را ایجاد نمودند. به همین مناسبت مراسم دیگری در سالن شهید مطهری برگزار گردید که با برنامه‌های متنوعی همراه بود حجت

به مناسبت ۲۷ رجب سالگرد بعثت نبی مکرم اسلام (صلوات الله علیه و آله) مراسم باشکوهی در مسجد قدس دانشگاه برگزار شد. گروه تواشیح بین المللی طاها با اجرای برنامه‌های متنوع،

## تربیت مدرس دانشگاه سبز می شود



مدرس به دانشگاه سبز در نشست مشترک مسئولان دانشگاه و شهرداری تهران خبر داد و گفت: با توجه به شرایط خوب دانشگاه تربیت مدرس در داشتن فضای سبز و نگاه ویژه به توسعه درختکاری در تمامی سایت‌های متعلق به دانشگاه، پیشنهاد تبدیل دانشگاه تربیت مدرس به دانشگاه سبز مطرح شد. برای ایجاد دانشگاه سبز می‌باید راه‌های بهینه را در مصرف انواع انرژی و آب بکار گیریم. در این راستا کمیته محیط زیست به زودی تشکیل می‌شود و بی شک این کمیته به همفکری و همیاری شما نیازمند است؛ چرا که دانشگاه سبز واقعی بدون فعالیت، همراهی و همدلی شما ایجاد نخواهد شد.

همزمان با بزرگداشت روز کارگر، ضیافت ناهار در فضایی صمیمانه با حضور معاون پشتیبانی و منابع انسانی و پرسنل شرکتی دانشگاه برگزار شد. محمدزاده ضمن تقدیر و تشکر از زحمات پرسنل شرکتی دانشگاه، بر اهمیت نقش آنان تأکید کرد و گفت: اگر زحمات شما عزیزان در ایجاد فضایی آرام، باطراوت و پاکیزه در دانشگاه نبود اساتید و دانشجویان نمی‌توانستند به کارهای آموزشی و پژوهشی خود بپردازند. کسب این جایگاه توسط دانشگاه تربیت مدرس که همواره جزء برترین دانشگاه‌های کشور است؛ ماحصل تلاش همه کارکنان و اساتید می‌باشد. وی از پیشنهاد تبدیل دانشگاه تربیت

### ارج نامه آئینه صادق رونمایی شد



مراسم بزرگداشت نخستین سالگرد درگذشت دکتر صادق آئینه‌وند با حضور هیأت رئیسه و اساتید دانشگاه، خانواده و علاقمندان آن استاد فرهیخته و دکتر آریا الستی معاون فرهنگی بنیاد ملی نخبگان روز چهاردهم اردیبهشت ماه در دانشگاه برگزار شد. در این مراسم، لوح بنیاد ملی نخبگان توسط دکتر آریا الستی معاون فرهنگی بنیاد نخبگان به خانواده دکتر آئینه‌وند اعطا گردید و به پاسداشت مقام استاد از ارج نامه آئینه صادق رونمایی شد و همچنین با حضور میهمانان از تالار مرجع کتابخانه مرکزی دانشگاه (که به نام زنده یاد دکتر آئینه‌وند نامگذاری شده است) پرده برداری شد.

### جوایزه امور اداری دانشگاه به درج یک مصاحبه

چشمه: یادآور می‌شود همانطور که در متن مصاحبه؛ آقای بیگی ریزی اشاره داشته‌اند حقوق و مزایای آنها طبق بخشنامه‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پرداخت می‌گردد ولی از آنجا که تفاوت حقوقی قابل توجهی بین نیروی‌های شرکتی و قراردادی دانشگاه وجود دارد برای نیروهای شرکتی مثل آقای بیگی ریزی این تلقی پیش آمده که ما به التفاوت حقوقی با نیروهای قراردادی را شرکت برای حق مدیریت خود بر می‌دارد. در مورد کمک هزینه غذا نیز آقای بیگی ریزی جوایزه مسئولین محترم امور اداری را پذیرفته و عذرخواهی خود را نسبت به بی‌اطلاعی و اظهار نظر در آن مورد را ابراز داشته‌اند.

و هفتصد هزار تومان به نامبرده پرداخت می‌شود صحت ندارد. در موضوع کمک هزینه غذا، دانشگاه بدون تکلیف قانونی و صرفاً برای کمک به این قشر زحمتکش (خارج از قرارداد فی ما بین دانشگاه و شرکت خدماتی) به ازاء هر روز کاری مبلغ ۱۸۰۰۰ ریال (بصورت ماهانه ۳۹۶۰۰۰ ریال) پرداخت می‌نماید و شرکت هیچ گونه دخل و تصرفی نسبت به این کمک هزینه ندارد. همچنین در حال حاضر تمامی نیروهای شرکتی بدون رابطه استخدامی مستقیم با دانشگاه، از خدمات و مزایای سایر کارکنان دانشگاه نظیر سرویس ایاب و ذهاب کارمندان و نیز از کمک‌های نقدی و غیرنقدی در مناسبت‌های مختلف از جمله ماه رمضان، روز زن، عید نوروز و همچنین وام قرض الحسنه از صندوق رفاه کارکنان برخوردار می‌باشند.

در پی درج مصاحبه‌ای در شماره ۲۴ دو هفته نامه چشمه با عنوان "به دنبال یک لقمه‌ی حلال هستم" که در آن آقای عباسعلی بیگی ریزی اشاره به حقوق خود داشتند، مدیر محترم امور اداری دانشگاه جوابیه‌ای به شرح ذیل به دفتر مجله ارسال نمود: نیروهای خدماتی شاغل در دانشگاه از جمله آقای عباسعلی بیگی ریزی تحت پوشش شرکت‌های طرف قرارداد مشغول فعالیت هستند و شرکت مربوطه مکلف است حقوق و مزایای ماهانه آنان را مطابق بخشنامه و ضوابط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پرداخت نماید، بنابر این ادعای ایشان مبنی بر اینکه حقوق پایه نامبرده یک میلیون و دویست هزار تومان است و بخشی از این مبلغ توسط شرکت برداشت می‌شود



دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس  
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع  
سردبیر: مرتضی فاضلی  
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی  
دبیر: تحریریه: سیامک شادکام  
گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید خیراله  
مجرى طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت

### با تشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.  
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.  
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.



## همه خوابگاه‌ها در یک سطح اند



**خوابگاه‌ها! این کلمه برای همه‌ی ما دانشجویها تداعی کننده کلی خاطرات تلخ و شیرین است. خاطراتی که گاهی با آن نوستالوژی بازی هم می‌کنیم. اما فارغ از همه اینها برخی از دانشجویان از مشکلات صنفی خود از خوابگاه‌ها گله‌مند هستند. از این رو چشمه در این شماره به مناسبت هفته خوابگاه‌ها به سراغ فریدون علیجانی رئیس امور خوابگاه‌ها رفته است. علیجانی در این مصاحبه به سوالات ما درباره‌ی مشکلات خوابگاه‌های مجردی و متاهلی پاسخ داده است که در ادامه می‌آید...**

ما به دانشجویان اطلاع رسانی می‌کنیم و ۵۰ درصد از دانشجویان به هر دلیلی که مشکل دارند در پایان ترم اجازه بها را پرداخت می‌کنند و ما دانشجویان را اجبار نمی‌کنیم، در حالی که خیلی از دانشگاه‌ها، سکونت دانشجویان را به پرداخت اجازه بها ملزم کرده‌اند و در ابتدای ترم هزینه را دریافت می‌کنند. اما دانشگاه تربیت مدرس، سکونت دانشجو را در خوابگاه تا زمان دفاع مساعدت کرده است. ناگفته نماند که دانشجویان رشته‌های پزشکی می‌توانند با سپردن تعهد محضری، هزینه را به صورت اقساط پرداخت کنند. این امکان برای دانشجویان وزارت علوم نیز بود که از سال ۱۳۸۶ دستور داده شد که به صورت نقدی پرداخت شود، چون یک سری از این پرداخت‌ها برای هزینه‌های خوابگاه خرج می‌شود. تمام این هزینه‌های انجام گرفته، از صندوق رفاه دریافت می‌شود که نظر صندوق رفاه بر این است که بخشی

ترم ۵ را مساعدت می‌کند، اما هزینه‌ی تمام شده‌ی ترم ۶ را می‌گیرد و این هزینه از پانسیون‌ها می‌گیرند بسیار کمتر است. این اختلاف قیمت به ترمی که بیش از موعد در خوابگاه می‌ماند مربوط می‌شود. بالفرض برای دانشجویان ارشد طبق تعرفه‌ی صندوق رفاه؛ ترم ۵ دو برابر و ترم ۶ دو و نیم برابر حساب می‌شود. دانشجویی که حدود ۴ الی ۵ ماه که یک ترم محسوب می‌شود - هزینه‌ی ۲۰۰ هزار تومان پرداخت می‌کند، این هزینه‌ی آب، برق و گاز هم نیست. در حالی که هزینه‌ی آب و برق و گاز خوابگاه‌ها میلیونی می‌باشد و این مبلغی که از دانشجو گرفته می‌شود با تخفیف محاسبه شده و فکر می‌کنم که کمترین میزان را از دانشجویان می‌گیرند.

**چشمه** دانشجویان تحصیلات تکمیلی که پایان نامه و رساله را دارند، انتظار حمایت بیشتری دارند دانشگاه چه راه حلی دارد؟

متفاوت هستند و برخی مواقع نمی‌توانند با هم در یک واحد ساکن شوند.

**چشمه** دانشجویانی که فارغ‌التحصیل شده‌اند جهت انجام برخی امور نیاز به خوابگاه دارند برای آنها تدابیری اندیشیده‌اید؟

ما در چنین شرایطی ترم و وضعیت دانشجو را در نظر می‌گیریم دانشجویی ممکن است که در ترم ۶ باشد و ۲ ترم هم اضافه مانده باشد، با این حال ما گاهی تا یکی دو ماه را مساعدت می‌کنیم. اما وقتی طولانی شود در برنامه‌ریزی دچار مشکل می‌شویم. به فرض ما برای مهر برنامه‌ریزی می‌کنیم، اما دانشجویی که در ترم ۷ مقطع ارشد است و وارد ترم تابستان شده است، چه زمانی قرار است برود؟!

**چشمه** هزینه‌ی اسکان دانشجویانی که خارج از نوبت هستند، چطور در نظر گرفته می‌شوند؟

یک سری از دانشجویانی که نمی‌توانند به موقع دفاع کنند، دانشگاه

**چشمه** در خوابگاه‌ها اسکان دانشجویان به چه صورت انجام می‌شود؟

با پیش بینی‌هایی که در شهریور ماه برای ورودی‌های جدید انجام می‌دهیم و لیستی که از آموزش گرفته می‌شود، اسکان خوابگاه‌ها مشخص می‌شود. ما به دانشجویان شهرستانی خوابگاه می‌دهیم و از کل ورودی‌ها تقریباً ۰۵ درصد را دانشجویان شهرستانی تشکیل می‌دهند که از این میزان، حدود نیمی دانشجویان دختر و نیمی دانشجویان پسر هستند. ما ۱۳ خوابگاه مجردی خاوران و ۱۳ خوابگاه مجردی برادران داریم که ۶ خوابگاه خاوران در پردیس مرکزی واقع است و مابقی در سطح شهر پراکنده‌اند.

**چشمه** نحوه‌ی تفکیک خوابگاه‌های متاهلی و مجردی به چه صورت است؟ آیا تبعات تلفیق این دو خوابگاه را در نظر گرفته‌اید؟

البته این خوابگاه‌ها جدا در نظر گرفته شده‌اند، با توجه به محدودیت‌های دانشگاه خوابگاه‌های متاهلی فقط به دانشجویان سرپرست خانوار تعلق می‌گیرد و به خانم‌های متاهلی که همسرانشان دانشجوی دانشگاه تربیت مدرس نباشند، تعلق نمی‌گیرد. ممکن است دانشجویان متاهل خانم در خوابگاه‌های مجردی ساکن باشند. این سوالی است که تاکنون به آن فکر نشده و می‌توان آن را به عنوان یک پیشنهاد در برنامه‌ریزی بعدی قرار داد.

**چشمه** امکان استفاده دانشجویان خردسالان از خوابگاه‌ها وجود دارد؟

بله، ناگفته نماند تا قبل از اینکه بازسازی خوابگاه مدرس ۲ را شروع کنند ما دو سه واحد از خوابگاه‌های متاهلی را در اختیار این دانشجویان قرار دادیم تا هر ۳ نفر با هم در یک واحد باشند. در حال حاضر به علت بازسازی، این خوابگاه تخلیه شده است، ان شاءالله ممکن است در آینده راه‌اندازی شود و در حال حاضر می‌توانیم به عنوان یک پیشنهاد بپذیریم.

**چشمه** اسکان دانشجویان غیرایرانی چطور در نظر گرفته می‌شود؟

استاد سربای واقع در شهریور غربی، براساس هماهنگی‌هایی که دکتر اصلاحچی انجام دادند، برای دانشجویان غیرایرانی اختصاص یافت. خود دانشجویان غیرایرانی راغب هستند که با دانشجویان ایرانی ساکن شوند تا زبانشان بهتر شود و دانشجویان غیرایرانی که راغب نباشند با هم اسکان یافته‌اند. البته دانشجویان خارجی از کشورهای مختلف و با فرهنگ‌های

از این هزینه از دانشجو دریافت شود. گرچه تربیت مدرس سخت نمی‌گیرد ولی اگر پرداخت کنند امکانات رفاهی دانشجویان هم بهتر می‌شود.

**چشمه** آیا این قضیه صحت دارد که برخی از همکاران شما رفتار نامناسبی با دانشجویان دارند؟

کارکنان اداری خوابگاه انتخاب شده هستند و در برابر ارباب رجوع که دانشجویان هستند و خواسته‌های متفاوتی دارند، بسیار صبورند. اگر به قسمت‌های دیگر اداره سر بزنید - با می‌کنم - متوجه می‌شوید که این واحد یکی از واحدهایی است که کار کردن در آن صبوری زیادی می‌طلبد. ما حدود ۴۰۰۰ دانشجوی خوابگاهی داریم و در روز حدود ۳۰۰-۲۰۰ نفر ارباب رجوع داریم؛ برخی مواقع، ضوابط دست ما می‌بندد و ممکن است دانشجویان درخواست‌هایی داشته باشند که طبق ضوابط قادر به انجامش نیستیم و دانشجویان ناراحت می‌شوند و همکاران ما تا جایی که می‌توانند تحمل می‌کنند و با دانشجویان تعامل دارند.

**چشمه** اگر این امکان برای شما فراهم شود که یک روز را در یکی از خوابگاه‌ها سپری کنید، کدام خوابگاه را انتخاب می‌کنید؟

خوابگاه‌های ما از نظر امکانات رفاهی در یک سطح قرار دارند و تنها دوری و نزدیکی خوابگاه‌ها به دانشگاه، آنها را از هم متمایز می‌کند. صد درصد همه، خوابگاه‌های نزدیک را می‌پذیرند و ناگفته نماند ما در انتخاب خوابگاه اول از نزدیک‌ترین جا شروع می‌کنیم. بنابراین من هم نزدیک‌ترین، یعنی گلشن را انتخاب می‌کنم.

**چشمه** چند تا از مشکلات موجود در خوابگاه را بیان کنید؟

- ساختمان‌های ما از پایه خوابگاهی نیستند و تمام آنها مسکونی‌اند. در واقع اگر بخواهیم که درست شود باید مجتمعی باشند، مثلاً اتاق‌های دو نفره که با امکانات بیشتری می‌تواند در هر خوابگاه ارائه شود.

- نبود یک سری امکانات رفاهی در برخی از خوابگاه‌ها، که آن هم به ساختار ساختمان‌ها برمی‌گردد، مثل سالن بدنسازی، سالن کتابخانه، سالن کامپیوتر، آسانسور.

- نبود ماشین لباسشویی در خوابگاه‌هایی که تحت نظر اداری خوابگاه است (خوابگاه‌هایی که توسط پیمانکار اداره می‌شوند و تامین امکانات رفاهی بر عهده‌ی پیمانکار است)

- مشکل بودجه هست که الحمدالله آقای دکتر اصلاحچی تا حد زیادی آن را حل کرده‌اند ولی باز هم یک سری مشکلات برای خرید مایحتاج دانشجویان داریم.

**” خوابگاه‌های ما از نظر امکانات رفاهی در یک سطح هستند و تنها دوری و نزدیکی خوابگاه‌ها به دانشگاه، آنها را از هم متمایز می‌کند. صد درصد همه خوابگاه‌های نزدیک را می‌پذیرند و ناگفته نماند ما در انتخاب خوابگاه اول از نزدیک‌ترین جا شروع می‌کنیم. بنابراین من هم نزدیک‌ترین، یعنی گلشن را انتخاب می‌کنم.**